

# قبله ما میان امتی را کد و بی حرکت و امتی پیشوا

تألیف:

دکتر صلاح سلطان

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

آدرس ایمیل:

#### سایت‌های مفید

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.nourtv.net](http://www.nourtv.net)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.ahlesonnat.com](http://www.ahlesonnat.com)

[www.islamhouse.com](http://www.islamhouse.com)

[www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk)

[www.bidary.net](http://www.bidary.net)

[www.islamtape.com](http://www.islamtape.com)

[www.tabesh.net](http://www.tabesh.net)

[www.blestfamily.com](http://www.blestfamily.com)

[www.farsi.sunnionline.us](http://www.farsi.sunnionline.us)

[www.islamworldnews.com](http://www.islamworldnews.com)

[www.sunni-news.net](http://www.sunni-news.net)

[www.islamage.com](http://www.islamage.com)

[www.mohtadeen.com](http://www.mohtadeen.com)

[www.islamwebpedia.com](http://www.islamwebpedia.com)

[www.ijtehadat.com](http://www.ijtehadat.com)

[www.islampp.com](http://www.islampp.com)

[www.islam۴۱۱.com](http://www.islam۴۱۱.com)

[www.videofarda.com](http://www.videofarda.com)

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### فهرست مطالب

مقدمه .....	۵
مبحث اول: تغییر قبله میان تسلیم مؤمنان، و اغتشاش و فتنه انگیزی یهودیان و منافقان و مشرکان .....	۸
اول - جنگ بر سر قبله و اهل آن .....	۸
دوّم - سیاق آیات و موضع گیری یهودیان و منافقان و مشرکان در قبال تغییر قبله .....	۲۰
مبحث دوّم: قبله ما و ویژگیهای امت پیشوا و امت راکد و بی حرکت .....	۲۶
مطلب اوّل: ویژگیهای امت پیشوا در آیات تغییر قبله .....	۲۶
اوّل - امت پیشوا، امتی یکتاپرست و یکپارچه و واحد است: .....	۲۷
دوّم - امت پیشوا، امتی است که صاحب پیشینه علمی است: .....	۲۸
سوّم - امت پیشوا، صاحب منهج و روشی خاص در پرورش و تزکیه است: .....	۲۹
چهارم - امت پیشوا، دارای استقلال است: .....	۳۰
مطلب دوّم: ویژگیهای امت راکد و بی حرکت .....	۳۳
اوّل - امت راکد و بی حرکت، عقیده اش فاسد است: .....	۳۳
دوّم - امت راکد و بی حرکت، عقل و اندیشه اش خشک و بسته است: .....	۳۵
سوّم - امت راکد و بی حرکت، قلبه ایشان سخت و سفت است: .....	۳۵
چهارم - امت راکد و بی حرکت، امتی متفرق و پراکنده است: .....	۳۶
مبحث سوّم: قبله ما و ساختن امت از رکود و بی حرکتی به سوی پیشوایی .....	۳۷
اوّل: اینکه قبله، رمز توحید خالص باشد .....	۳۸
دوّم: اینکه قبله، رمز وحدت قوی باشد .....	۴۴
سوّم: اینکه قبله، رمز امنیت و آرامش باشد .....	۵۱
چهارم: اینکه قبله، رمز اعتدال و میانه روی باشد .....	۵۳

---

۵۴	۱- اعتدال و میانه روی در عقیده اسلامی .....
۶۰	۳- اعتدال و میانه روی در تشریع و قانونگذاری .....
۶۱	پنجم: اینکه قبله، رمز تحمل مسئولیت راجع به مقدسات اسلامی مان باشد .....
۶۴	خلاصه .....
۶۶	پیوست کتاب .....
۶۶	تکلیف آحاد امت اسلامی راجع به کمک و یاری به ملت فلسطین .....
۶۶	اوّل - واقعیت دردآور ملت فلسطین در رویارویی با دشمنی جهانی: .....
	دوّم - تکلیف آحاد امت اسلامی در خصوص کمک و یاری به برادرانشان در فلسطین: .....
۶۸	۶۸ .....
۷۴	سوّم - استراتژی اتکا به خود: .....
۷۶	خلاصه .....

## مقدمه

ستایش و سپاس مخصوص خدایی است که ما را از اهل قبله خود و پیروان ملت خود قرار داده، و درود و سلام بر سرور همه عالمیان، حضرت محمد ﷺ و درود و سلام بر همه یاران و اصحاب آن حضرت و بر کسانی باد که تا روز قیامت از آنان به نیکی پیروی می نمایند.

### اما بعد؛

همانا از جمله بزرگترین نعمتهایی که خداوند متعال به این امت اسلامی ارزانی داشته این است که برای آن، چیزهایی قرار داده که جامع قلبها و عقلها و بدنهاست؛ مانند قرآن و سنت و کعبه. و این امور در عقل و وجدان امت اسلام رسوخ پیدا خواهد کرد چه قوی باشند و چه ضعیف، چه خودشان بروند و چه کشانیده شوند. پس این رسوخها در عقل و وجدان امت اسلام به وجود خواهند آمد، رسوخهایی که عالم و عامی، مرد و زن، کوچک و بزرگ جذب آن خواهند شد تا اینکه روزی امت اسلامی را از امتی بی جان و بی حرکت به سوی امتی پیشوا بازگردانند.

خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾ فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا ۚ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝﴾

(آل عمران / ۹۶-۹۷)

«نخستین خانه‌ای (از حیث قدمت و حرمت که با دست انبیاء جهت پرستش و نیایش صحیح خداوند یگانه) برای مردم بنیانگذاری گشته است، خانه‌ای است که در مکه قرار دارد (و کعبه نام و از لحاظ ظاهر و باطن) پربرکت و نعمت است و (از آنجا که قبله‌گاه نماز مسلمانان و مکان حج آنان یعنی کنگره بزرگ سالانه ایشان است، مایه) هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های روشنی است، مقام ابراهیم (یعنی مکان نماز و عبادت او از جمله آنها است). و هر کس داخل آن

(حرم) شود در امان است. و حج این خانه، واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس (حج خانه خدا را به جای نیاورد، یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدین وسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

بنابراین قبله در اسلام، از آن جهت که کعبه و بیت الحرام است، حقیقتی مادی است و از آن جهت که نخستین خانه‌ای است که برای مردم بنیانگذاری گشته، عقیده‌ای قوی می‌باشد؛ و بنا به فرموده: ﴿مُبَارَكًا﴾ پربركت است. همچنین هدایتی ربانی ﴿وَهْدًى لِلْعَالَمِينَ﴾، و انواری روحی: ﴿فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ و ریشه‌ای تاریخی دارد: ﴿مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾، و دارای روحی امنیت‌بخش است: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا﴾، و حج و قصد کردن به سوی آن از بزرگترین واجبات شرعی است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾، و هر کس مانع رفتن بدانجا یا مانع ادای مناسک حج شود، کفر ورزیده است:

﴿وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران / ۹۷)

در زیر از لابه‌لای نصوص قرآن و سنت، چیزهایی را استنتاج و استنباط می‌نمایم که جایگاه قبله را در عقیده و عقل و وجدان هر زن و مرد مسلمانی روشن می‌سازد. همچنین موضع‌گیری مؤمنان و یهودیان و منافقان و مشرکان را در قبال تغییر قبله روشن می‌سازد. سپس از لابه‌لای نصوص قرآن و سنت، بدون هیچ تکلفی، ویژگی‌های امت بی‌جان و بی‌حرکت و امت پیشوا، و وسایل عملی جهت تغییر امت از بی‌حرکتی به سوی پیشوایی را بیان خواهم کرد. در پایان راهکاری عملی با استدلال به ادله نقلی و عقلی و اجتهادات فقهی در خصوص تکلیف امت اسلام در قبال ملت فلسطین، حامیان مسجدالاقصی، قبله اول ما، بیان می‌کنم؛ با این امید که رودخانه‌های کفر به مزرعه‌های خیر تبدیل شود که درختان و میوه‌ها و شکوفه‌ها در آن رشد نمایند، تا اینکه دنیا امتی میانه و الگو و نمونه برای تمام مردم، پرچمدار هر خیر و نیکی برای خود و دنیای پیرامون خود ببیند. و این امت از قول به سوی عمل، و از تئوری و نظری به سوی تطبیق

و عملی کردن برود تا اینکه خداوند شاهد این باشد که ما نهایت تلاش و توان خود را جهت ساختن خودمان و حمایت و پشتیبانی از قبله‌مان و حفظ آبرو و استقلال امت‌مان، به کار گرفته‌ایم. در آن صورت پروردگارمان، از یاری و عزت و قدرت بخشیدن به ما دریغ نمی‌کند؛ همان‌طور که می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾

(غافر / ۵۱)

«ما قطعاً پیغمبران خود را و مؤمنان را در زندگی دنیا و در آن روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم و دستگیری می‌کنیم».

در جای دیگری می‌فرماید:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾ (اسراء / ۵۱)

«و می‌گویند: چه زمانی این (معاد) خواهد بود؟ بگو: شاید که نزدیک باشد».

صلاح سلطان

رجب ۱۴۲۸

## مبحث اول:

### تغییر قبله میان تسلیم مؤمنان، و اغتشاش و فتنه انگیزی یهودیان و منافقان و مشرکان

قبله اوّل و دوّم ما در قرآن و سنت و وجدان اسلامی دارای جایگاهی عالی و والاست، و به همین خاطر همیشه در معرض تهدید دشمنان بوده همچنان که در لابه لای نصوص و تحلیل و بررسی آنها و موضع گیری جامعه مدنی در قبال تغییر قبله روشن خواهد شد. این امر را به نصوص و اگذار می کنیم تا آن را برای ما روشن سازد:

#### اول - جنگ بر سر قبله و اهل آن

تغییر قبله از مسجدالاقصی به مسجدالحرام، در اصل یک امر داخلی مسلمانان بوده، و کعبه تنها قبله مسلمانان بود نه دیگران؛ بنابراین به غیرمسلمانان امر نشد که نمازشان را به سوی قبله ما بخوانند. با این وجود رد فعل و عکس العملی که جامعه مدنی پیرامون تغییر قبله نشان دادند، متفاوت بود آن گونه که آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ بیان می کنند؛ از جمله:

۱- این آیه که می فرماید:

﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْنَاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ ۚ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ عَنِكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره / ۱۴۲-۱۴۳)

«نابخردان مردم خواهند گفت: چه چیز ایشان را از قبله خود که بر آن بودند برگرداند؟ بگو: خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خداست. هر که را



بخواهد به راه راست رهبری می‌نماید. و بی‌گمان شما را ملت میانه‌روی قرار داده‌ایم (نه در دین افراط و غلوی می‌ورزید، و نه در آن تفریط و تعطیلی می‌شناسید. حق روح و حق جسم را مراعات می‌دارید و آمیزه‌ای از حیوان و فرشته‌اید) تا گواهانی بر مردم باشید و پیغمبر (نیز) بر شما گواه باشد (تا چنانچه دسته‌ای از شما راه او گیرد، و یا گروهی از شما از جاده سیرت و شریعت او بیرون رود، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجت و گواه باشد). و ما قبله‌ای را که بر آن بوده‌ای (و تاکنون به سوی آن نماز خوانده‌ای و هم اینک فرمان رو کردن به جهت کعبه صادر شده است) قبله نمودیم مگر اینکه بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می‌نماید و چه کسی بر پاشنه‌های خود می‌چرخد (و به عقب برمی‌گردد تا صف ثابت‌قدمان بر ایمان، و فرصت‌طلبان بی‌ایمان از هم روشن و جدا شود). و اگر چه (تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته است بدان رو کند) بس بزرگ و دشوار است مگر بر کسانی که خدا ایشان را رهنمون کرده باشد (به احکام دین و راز قانونگذاری و بداند که هدف از روکردن به این سو یا آن سو اطاعت فرمان خداست نه به خاطر تقدس خود جهات) و خدا ایمان شما را (که انگیزه پیروی از پیغمبر است) ضایع نمی‌گرداند (و اجر و پاداش عبادات قبلی شما را هدر نمی‌دهد، چرا که) بی‌گمان خدا نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است».

۲- حدیثی که بخاری از براء بن عازب رضی الله عنه روایت نموده که او می‌گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شانزده ماه یا هفده ماه به طرف بیت المقدس نماز می‌خواند، و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دوست می‌داشت که به سوی کعبه رو کند و نماز بخواند، پس خداوند این آیه را نازل کرد:

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ﴾ (بقره / ۱۴۴)

«ما روگرداندن تو را گاهگاهی به سوی آسمان می‌بینیم».

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رو به سوی کعبه نمود و نابخردان مردم که یهودیان بودند، گفتند:

﴿ مَا وَلَّهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾

(بقره / ۱۴۲)

«... چه چیز ایشان را از قبله خود که بر آن بودند برگرداند؟ بگو: خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خداست. هر که را بخواهد به راه راست رهبری می‌نماید».

مردی همراه پیامبر ﷺ نماز خواند سپس بعد از نماز بیرون رفت. از کنار جماعتی از انصار هنگام نماز عصر که به طرف بیت المقدس نماز می‌خواندند عبور کرد، پس گفت او گواهی می‌دهد که همراه رسول الله ﷺ نماز خوانده و پیامبر ﷺ به سوی کعبه رو کرد؛ پس آن جماعت برگشتند و به سوی کعبه رو کردند.<sup>۱</sup>

حقیقت این است که من همه آیاتی که درباره قبله بحث می‌کند جمع‌آوری نموده‌ام خواه این آیات با لفظ قبله باشد - که این در هفت جا در قرآن آمده، شش تای آن در سوره بقره در خود سیاق تغییر قبله و یکی هم در سوره یونس آنجا که می‌فرماید:

﴿ وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً ﴾

(یونس / ۸۷)

«... و خانه‌هایتان را قبله قرار دهید».

و خواه با لفظ «مسجدالحرام» یا «بیت‌الحرام» یا «بیت»ی که منظور از آن «بیت‌الحرام» است، باشد مانند این آیه:

﴿ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴾

(قریش / ۳)

«پس باید پروردگار این خانه (خدا، کعبه) را بپرستند».

این مقدار زیاد از نصوصی که بیان می‌دارند که موضع‌گیری همه مشرکان به طور عموم و یهودیان به ویژه و مزدوران آنها از منافقان این است که آنان قضیه قبله را از پایه‌های جنگ علیه اسلام و مسلمانان می‌دانند خواه این قبله، قبله اول و موقت یعنی «مسجدالاقصی» باشد و خواه قبله دوم و همیشگی یعنی «مسجدالحرام» باشد.

۱- صحیح البخاری، کتاب الصلاة، باب «التوجه نحو القبلة حیث کان».

اینک نمونه‌هایی از این نصوصی که راجع به موضع‌گیری مشرکان و یهودیان و منافقان بحث می‌کند و از آن تعبیر می‌نماید، آورده می‌شوند:

۱- آیه:

﴿سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ ۚ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ ۚ لِنُرِيَهُ ۚ مِّنْ آيَاتِنَا ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾  
وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي  
وَكَيلًا﴾ (اسراء / ۱-۲)

«تسبیح و تقدیس خدایی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بیناست. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند). ما به او کتاب (تورات) دادیم و آن را رهنمود بنی اسرائیل کردیم (تا در پرتو آن از تاریکی جهل و کفر به سوی نور علم و ایمان راهیاب شوند. و بدیشان دستور دادیم) اینکه غیر ما را تکیه‌گاه و پشتیبان خود مسازید (و امور خویش جز به ما مسپارید).».

۲- آیه:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكْفُ فِيهِ وَالْبَادِ ۚ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ  
مِنَ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (حج / ۲۵)

«بی گمان کسانی که کفر می‌ورزند و (مردمان را) از راه خدا (که دین اسلام است) و (مؤمنان را) از (ورود به) مسجدالحرام باز می‌دارند (که مکه است و ما) آن را برای همهٔ مردمان، اعم از کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و یا از نقاط دیگر بدان وارد می‌شوند، یکسان (حرم امن و امان و محل مراسم حج) نموده‌ایم، همچنین کسانی که با توسل به ظلم و از حد اعتدال خارج می‌شوند و در آن سرزمین مرتکب خلاف می‌گردند، عذاب دردناکی بدیشان می‌چشانیم».

۳- آیه:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا ۚ وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾  
(بقره / ۲۱۷)

«از تو دربارهٔ جنگ کردن در ماه حرام می‌پرسند، بگو: جنگ در آن (گناهی) بزرگ است. ولی جلوگیری از راه خدا (که اسلام است) و بازداشتن مردم از مسجدالحرام و اخراج ساکنانش از آن و کفر ورزیدن نسبت به خدا، در پیشگاه خداوند مهمتر از آن است، و برگرداندن مردم از دین (با ایجاد شبهه‌ها در دل‌های مسلمانان و شکنجهٔ ایشان و غیره) بدتر از کشتن است. (مشرکان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند، ولی کسی که از شما از آئین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر باد می‌رود، و ایشان یاران آتش (دوزخ) می‌باشند و در آن جاویدان می‌مانند».

۴- آیه:

﴿ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾<sup>(۳۹)</sup>

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۴۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿۴۱﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۴۲﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ﴿۴۳﴾ وَقَتِّلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ۚ فَإِنَّ آنتَهُوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝﴾

(انفال / ۳۹-۳۴)

«چرا خداوند آنان را عذاب ندهد در حالی که ایشان (مسلمانان را) از مسجدالحرام باز می‌دارند؟ آنان هرگز سرپرستان مسجدالحرام نمی‌باشند، بلکه تنها کسانی حق این سرپرستی را دارند که پرهیزگار باشند، ولیکن غالب آنان (از این واقعیت) بی‌خبرند. دعا و تضرع ایشان در کنار مسجدالحرام جز سوت کشیدن و کف زدن نمی‌باشد. پس (ای کافران، مزه مرگ در میدان نبرد بدر و اسارت در آن و) عذاب را بچشید به سبب کفری که می‌ورزیده‌اید. کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردمان را) از راه خدا (و ایمان به الله) بازدارند. آنان اموالشان را خرج خواهند کرد، اما بعداً مایه حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست نیز خواهند خورد. بی‌گمان کافران همگی به سوی دوزخ رانده می‌گردند و در آن گرد آورده می‌شوند. (این شکست در دنیا و عذاب در آخرت همه به دلیل آن است) تا خداوند ناپاک را از پاک جدا سازد و برخی از ناپاکان را بر برخی دیگر بیفزاید و

جملگی ایشان را روی هم انباشته کند و آنگاه به دوزخشان بیندازد. آنان (در دنیا و آخرت) زیانکارند. (ای پیغمبر!) به کافران بگو: (درگاه توبه همیشه باز است و) اگر (از کفر و عناد) دست بردارند، گذشته اعمالشان بخشوده می‌شود، و اگر هم (به کفر و ضلال خود) برگردند (و به جنگ و ستیزتان برخیزند) قانون خدا درباره پیشینیان از مدنظر گذشته است (و همان قانون هم درباره آنان اجرا می‌گردد. یعنی سزای مشرکان و معاندان و مکذبان نابودی است و ایشان نیز نابود می‌شوند.) و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دیتان برگردانند) و دین خالصانه از آن خدا گردد (و مؤمنان جز از خدا ترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زیست کنند). پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بردارید، چرا که) خدا می‌بیند چیزهایی را که انجام می‌دهند (و کیفرشان می‌دهد)».

۵- آیه:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نجسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنْ شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾﴾ قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان مشرکان (به سبب کفر و شرکشان، از لحاظ عقیده) پلیدند، لذا نباید پس از امسال (که سال نهم هجری است) به مسجدالحرام وارد شوند. اگر (بر اثر قطع تجارت آنان با شما) از فقر می‌ترسید، (نترسید که) خداوند شما را به فضل و رحمت خود (از خلق و از مشرکان) بی‌نیاز می‌گرداند، چرا که خدا آگاه (از کار شما است و برای گرداندن آن) دارای

کمال عنایت و حکمت است. با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا (چنانکه شاید و باید) ایمان دارند، و نه چیزی را که خدا (در قرآن) و فرستاده‌اش (در سنت خود) تحریم کرده‌اند حرام می‌دانند، و نه آئین حق را می‌پذیرند، پیکار و کارزار کنید تا زمانی که (اسلام را گردن می‌نهند، و یا اینکه) خاضعانه به اندازه توانائی، جزیه را می‌پردازند (که یک نوع مالیات سرانه است و از اقلیت‌های مذهبی به خاطر معاف بودن از شرکت در جهاد، و تأمین امنیت جان و مال آنان گرفته می‌شود)».

۶- آیه:

﴿ أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الظَّالِمِينَ ﴾ (توبه / ۱۹)

«آیا (رتبه سقایت و) آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجد الحرام را همسان (مقام آن) کسی می‌شمارید که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده است و در راه خدا جهاد کرده است (و به جان و مال کوشیده است؟ هرگز منزلت آنان یکسان نیست و) در نزد خدا برابر نمی‌باشند، و خداوند مردمانی را که (به خویشان به وسیله کفر ورزیدن، و به دیگران به وسیله اذیت و آزار آنان) ستم می‌کنند (به راه خیر و صلاح دنیوی و نعمت و سعادت اخروی) رهنمود نمی‌سازد».

۷- حدیثی که بخاری با سند خود از نافع بن جُبَیر بن مُطْعِم و او نیز از أم المؤمنین عایشه - رضی الله عنها - روایت کرده که عایشه گوید: «قال رسول الله ﷺ: يَغْزُو جِيشَ الْكَعْبَةِ، فَإِذَا كَانُوا بَيْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ، يَخْسِفُ بِأَوْلَهُمْ وَآخِرِهِمْ. قَالَتْ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ يَخْسِفُ بِأَوْلَهُمْ وَآخِرِهِمْ وَفِيهِمْ أَسْوَاقُهُمْ وَ مِنْ لَيْسَ مِنْهُمْ، قَالَ: يَخْسِفُ بِأَوْلَهُمْ وَآخِرِهِمْ ثُمَّ يَبْعَثُونَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ»<sup>۱</sup>: «رسول الله ﷺ فرمودند: لشکری با کعبه می‌جنگد، پس ناگهان

۱- صحیح البخاری، کتاب البیوع: باب ما ذکر فی الأسواق.

همه افراد آن لشکر روی زمین هلاک می‌شوند و اول و آخرشان در زمین فرو می‌روند. عایشه گفت: گفتم ای رسول‌خدا، چگونه اول و آخرشان در زمین فرو می‌روند در حالی که آنان افراد خوبی دارند و کسانی هستند که از آنان نیستند؟ فرمود: اول و آخرشان در زمین فرو می‌روند، سپس بر حسب نیتشان برانگیخته می‌شوند».

نصوص بسیار دیگری وجود دارند که بیان می‌کنند که مقدسات مسلمانان همیشه در معرض تهدید مشرکان بوده و بیان می‌کنند که تکلیفی واجب بر مسلمانان وجود دارد و آن اینکه همیشه به عنوان جزئی از امت پیشوا و الگو آمادگی حمایت از مقدسات خویش را داشته باشند و گرنه امتی بی‌حرکت و بی‌جان می‌شوند که آن وقت به مسجدالاقصی اهانت می‌شود و دشمنان ویرانی مسجدالحرام را در نقشه آینده خود قرار خواهد داد، همان‌گونه که «لورد کرومر انگلیسی» آن زمان که به قصد اشتغال و حمله به مصر رسید گفت: «آمده‌ام تا سه چیز را ویران کنم: قرآن، کعبه و دانشگاه الأزهر»، سپس امت اسلامی از مقدسات خود دفاع نمی‌کند.

این نصوص که واقعیت نیز آن را تأیید می‌نماید، بیان می‌دارند که مقدسات ما مسلمانان نیاز همیشگی به حمایت و حفاظت و پاسداری از جانب مؤمنان دارد، زیرا کافران و فاسقان و جنایتکاران دوست ندارند که ببینند مسلمانان یک قبله دارند، و جوانانی دارند که حج و عمره را به جا می‌آورند، و زنانی باحجاب دارند که این حجاب تعبیری از پاکی و پاکدامنی و عفت و سربلندی است و اینها در سرزمین اسلام پراکنده‌اند؛ به همین خاطر واقعیتهای زیر را در این نصوص ملاحظه می‌کنیم:

۱- پس از سخن درباره اسراء و معراج، اشاره‌ای قوی به ایجاد فساد و فتنه بنی‌اسرائیل در زمین در دو جا وجود دارد و این واقعیتی است که امروزه با آن سر و کار داریم.

۲- قبل از سخن درباره مناسک حج در سوره حج، آیاتی آمده‌اند که موضع‌گیری مشرکان راجع به بازداشتن از راه خدا را بیان می‌دارند، و پس از ذکر مناسک حج، اولین آیه در خصوص اجازه پیکار آمده، و این اولین آیه در کل قرآن است که پاسخ به تجاوز را مباح نموده، آنجا که می‌فرماید:



﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾<sup>۲۸</sup>  
 أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿حج / ۳۸-۳۹﴾

«خداوند دفاع می‌کند از مؤمنان (و به سبب ایمانشان پیروزشان می‌گرداند). چرا که مسلماً خداوند خیانت پیشگان کافر را دوست نمی‌دارد (و دوستان مؤمن خود را در دست خیانتکاران ملحد رها نمی‌سازد). اجازه (دفاع از خود) به کسانی داده می‌شود که به آنان جنگ (تحمیل) می‌گردد، چرا که به ایشان ستم شده است (و آنان مدتهای طولانی در برابر ظلم ظالمان شکیبائی ورزیده‌اند و خون دل خورده‌اند) و خداوند تواناست بر اینکه ایشان را پیروز کند».

و سوره حج با اعلام آمادگی برای جهاد در راه خدا خاتمه می‌یابد؛ آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾ (حج / ۷۸)

«و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و تلاش در راه اوست (تا در میدان جهاد اصغر که نبرد با دشمنان دین است، و در پهنه جهاد اکبر که مبارزه با نفس اماره است، پیروز گردید). خدا شما را (از میان مردم برای یاری دین خود) برگزیده است (و به شما شخصیت و عظمت بخشیده است)».

۳- شاید ارتباط میان ادای مناسک حج و آمادگی برای جهاد، از واضح‌ترین امور در هر یک از سوره‌های قرآن به ویژه سوره بقره در آیات «۱۸۹ تا ۱۹۶» باشد و هر کس بدانها مراجعه نماید، ارتباط میان هلالهای ماه و حج و پیکار در آیات ۱۸۹ و ۱۹۰، و همچنین جنگ و پیکار در مسجدالحرام زمانی که دشمنان به ما حمله کنند در آیات ۱۹۵ و ۱۹۶ می‌یابد. پس از آیه

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ﴾ (بقره / ۲۱۶)

آیات بعدی راجع به ماه حرام و مسجدالحرام بحث می‌کند که آیا در آن پیکار هست یا نه؟ قرآن به صورت آشکار تصریح می‌دارد که کفر و شرکها و فتنه‌انگیزیهای علیه امت اسلامی وجود دارند که بزرگتر از قتل هستند، و نبرد و پیکار دشمنان علیه ما همیشگی است و هیچ‌گاه منقطع نمی‌شود تا اینکه از دین و اخلاق و ارزشهایمان برگردیم، آنجا که می‌فرماید:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا﴾

(بقره / ۲۱۷)

«(مشرکان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند».

۴- اغلب آیات قرآن درباره اعمال مشرکان در خصوص بازداشتن از مسجدالحرام به صورت فعل ماضی نیامده بلکه به صورت فعل مضارع آمده و این اشاره است به استمرار تلاشها و کوششها در راستای بازداشتن از مسجدالحرام و منصرف کردن مسلمانان از آن به وسیله فتنه‌انگیزیهای که به تدریج شامل حال مردان و زنان و جوانان می‌شود، و این فتنه‌انگیزیها شدیدتر و بزرگتر از قتل است همان گونه که آیات به تصریح بیان می‌دارند؛ اما من دوست دارم که برخی از این نصوص واضح را بیاورم:

الف - آیه:

﴿وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾

(انفال / ۳۴)

«چرا خداوند آنان را عذاب ندهد، در حالی که ایشان (مسلمانان را) از مسجدالحرام باز می‌دارند؟...».

ب - فرموده خداوند متعال در سیاق سخن از ماه حرام و مسجدالحرام:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا﴾

(بقره / ۲۱۷)

«(مشرکان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئیتان برگردانند».

۵- دستور به منع مشرکان از نزدیکی به مسجدالحرام و دستور به پیکار با کسانی که می‌خواهند با دهانهای خود نور خداوندی را خاموش گردانند همراه هم آمده است.

۶- قرآن تصریح می‌دارد که کسی که مشغول تعمیرکردن و آباد کردن مسجدالحرام است اما آمادگی برای حمایت آن را ندارد با کسی که مانع از تجاوز به مسجدالحرام می‌شود، همسان و برابر نیستند. و شاید این نصوص پشت سر شعر زیبای عبدالله بن مبارک باشد که کسانی را سرزنش می‌نماید که فقط از جنبه صلح عبادت را می‌گیرند و مراسم حج را به جای می‌آورند و کاری به جنبه جهادی ندارند؛ آنجا که می‌گوید:

يا عابدَ الحرمين لو أبصرتنا ... لَعَلِمْتَ أَنَّكَ فِي الْعِبَادَةِ تَلْعَبُ ...  
 من كان يَخْضِبُ خَدَّه بدموعِهِ ... فَتُحَوِّرُنَا بدمائِنَا تَخْضِبُ ...  
 أو كان يُتَعَبُ خَيْلَهُ فِي باطلٍ ... فَخَيَّلُنَا يَوْمَ الصَّبِيحَةِ تَتَعَبُ ...  
 رِيحُ الْعَبِيرِ لَكُمْ وَنَحْنُ عَيْرُنَا ... وَهَجُّ السَّنَابِكِ وَالْغَبَارُ الْأَطْيَبُ ...  
 وَلَقَدْ أَتَانَا مِنْ مَقَالٍ نَبِينَا ... قَوْلَ صَاحِبِ صَادِقٍ لَا يَكْذِبُ ...  
 لَا يَسْتَوِي وَغُبَارَ خَيْلِ اللَّهِ فِي ... أَنْفِ امْرِئٍ وَدُخَانَ نَارٍ تُلْهَبُ ...  
 هَذَا كِتَابُ اللَّهِ يَنْطِقُ بَيْنَنَا ... لَيْسَ الشَّهِيدُ بِمَيِّتٍ لَا يَكْذِبُ ...

«ای کسی که به حرم مکه و مدینه برای عبادت می‌روی اگر به ما می‌نگریستی، می‌دانستی که تو عبادت را به بازیچه گرفته‌ای».

«هرکس رخسارش با اشکهایش رنگین شود، پس باید دانست که گلوهای ما با خونهایمان رنگین می‌شود».

«یا اگر اسبش در امر باطلی خسته شود، باید دانست که اسبهای ما بامدادان خسته می‌شود».

«بوی خوش برای خودتان، ما بوی خوش خود را داریم: گردوغبار سم چارپایان و غبار پاک».

«فرموده پیامبرمان صلی الله علیه و آله به ما رسیده، فرموده صحیح و راستی که دروغ نیست»  
«که غبار مردان خدا در بینی یک شخص با دود آتشی که شعله‌ور است، همسان و برابر نیست».

«این کتاب خداست که میان ما سخن می‌گوید: انسان شهید، نمرده است. این سخن، حقیقت است و دروغ نیست».

۷- حدیث: «يَغْزُو جِيشَ الْكُعْبَةِ حَتَّى إِذَا كَانُوا بَيْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ» و احادیث دجال و تلاشهایش جهت داخل شدن به مکه و مدینه و بازداشتن وی از آن، همگی نشان می‌دهند که مبارزه سختی بر ضد قبله و اهل آن، و بر ضد هر چیزی که این امت را جمع می‌گرداند و صفهایشان را یکی می‌سازد، وجود دارد. و این یک مسأله اعتقادی است که موجب تحرک عملی جهت حمایت از مقدساتمان می‌شود.  
آنچه ذکر شد تصویری عام از موضع‌گیری غیر مسلمانان در قبال قبله و اهل قبله می‌باشد، و در زیر موضع‌گیری خاص یهودیان و منافقان و مشرکان در قبال تغییر قبله را بیان می‌کنم.

## دوم - سیاق آیات و موضع‌گیری یهودیان و منافقان و مشرکان در قبال تغییر قبله

آیات تغییر قبله در سوره بقره که به شکلی خاص متمایز از دیگر سوره‌ها می‌باشد، این واقعیتها را در بردارد:

۱- برای اولین بار قضیه نفاق در آیات قرآن در سوره بقره مطرح شد. خداوند در ابتدای سوره بقره، صفات مؤمنان را در پنج آیه، و صفات کافران را در دو آیه بیان می‌کند، اما صفات منافقان را در سیزده آیه می‌آورد. و قرآن به تکرار، نفاق را در سوره‌های زیادی که بیشتر در سوره توبه ظاهر شده، ننگین و خوار و محکوم می‌نماید. و در یک سوره کامل

درباره منافقان یعنی سوره «منافقون» دروغ و نفاقشان را برملا می‌سازد. اینان در جوامع ما در شکل شخصیت‌های عمومی و خصوصی ظاهر می‌شوند و نام سرزمین‌های اسلامی‌مان و جنسیت آن را بر خود می‌نهند و با زبان ما سخن می‌گویند اما عقلها و اندیشه‌ها و دلهایشان با دشمنان خداست. با خدا و رسول خدا و مؤمنان می‌جنگند. و آنان از دیگر دشمنان خطرناک‌ترند، زیرا اینان شکاف و آجری خام در ساختمان و جسد امت اسلامی هستند. اینان سخن یهودیان راجع به تغییر قبله را تکرار می‌نمایند.

۲- سوره بقره به دلیل داستان جدال و بهانه و قتل و بهتان بنی‌اسرائیل به این نام، نامگذاری شده، سپس در این سوره، داستانها و صفاتی آمده و روشن می‌سازد که بنی‌اسرائیل از همه انسانها بیشتر با خدا و پیامبران خدا سر دشمنی دارند، و از فرشتگان بدشان می‌آید، و عهدشکنی می‌کنند، و نیکان را به قتل می‌رسانند، و بر مادیات و تعلقات دنیوی حرص و طمع می‌ورزند، و به خویشتن ظلم می‌کنند، و به حقوق دیگران تجاوز می‌نمایند، و به پروردگارشان کفر می‌ورزند، و از اوامر و دستورات پیامبرانشان سرپیچی می‌نمایند، و تا آنجا که توانسته‌اند، از پیامبرانشان افرادی را به قتل رسانده‌اند.

اما راجع به موضع‌گیری در قبال تغییر قبله، صاحب «عیون الأثر فی المغازی و السیر» آورده که موضع‌گیریهای متعددی در این خصوص وجود دارند که عبارتند از:

(۱) منافقان گفتند: چه چیز مسلمانان را از قبله خود که بر آن بودند، برگرداند؟  
 (۲) یهودیان گفتند: محمد ﷺ به سرزمین پدرش اشتیاق پیدا کرده، و او می‌خواهد که قومه را راضی و خوشنود گرداند، و اگر بر قبله ما می‌ماند، امید پیدا می‌کردیم که محمد ﷺ همان پیامبری است که منتظر آمدنش هستیم.

(۳) مشرکان مکه گفتند: محمد ﷺ در دینش دچار سردرگمی شده، رو به قبله شما نمود و دانست که شما از او هدایت یافته‌ترید، و احتمال دارد که به دین شما درآید.

(۴) برخی از مؤمنان گفتند: پس تکلیف نمازی که به سوی بیت‌المقدس خواندیم چیست؟ تکلیف برادرانی که مرده‌اند در حالی که به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواندند، چیست؟

این موضع گیری مؤمنان همراه با روایاتی که قبلاً آوردم، نشان می دهد که فرمانبرداری و تسلیم از جانب مؤمنان وجود داشته فقط برخی از آنان راجع به نمازشان قبل از تغییر قبله از همدیگر سؤال نمودند و این سؤال، وارد است: اما همه آنان در قبال تغییر قبله راضی بودند و این دستور الهی را شنیدند و از آن اطاعت نمودند و مثل عالی شدند تا جایی که زمانی به سوی بیت الحرام روی برگردانند که همگی در رکوع بودند. بنا به آنچه در روایت براء بن عازب آمده هنگام تغییر قبله، مسلمانان در نماز عصر در مسجدی بودند که هم اکنون «قبلتین» نام دارد، و بنا به روایت انس آنان در نماز صبح در مسجد قبا بودند. و روایات دیگری همگی این حقیقت را بیان می دارند که موضع گیری مؤمنان در قبال تغییر قبله، یک موضع گیری قوی و محکم و مورد پسندی بوده است.

اما راجع به موضع گیری غیرمسلمانان، باید گفت که همه آنان آشوبگری و اغتشاش شدیدی به صورت زیر اتخاذ کردند:

(۱) بزرگترین گروهی که قرآن در ابتدا آورده (یعنی سفهاء) یهودیان بودند به گونه ای که آنان به رسول الله ﷺ زمانی که به طرف بیت المقدس نماز می خواند، سخنان بد و بیراه می گفتند، آنان می گفتند: اینکه محمد از قبله ما پیروی می کند دلیل بر این است که دین و آئین ما صحیح تر است و دین جدید او نادرست است. و هنگامی که قبله تغییر یافت، درباره خداوند متعال گفتند: «بداء» (یعنی اینکه سخنی بگوید و بعداً از آن پشیمان شود) برای خدا جایز است. خداوند از آنچه می گویند بسیار والاتر است. و گفتند محمد ﷺ به دین پدران خود و کعبه شان اشتیاق پیدا کرده است. و به او بد و بیراه می گفتند، زیرا حيله اولشان با تغییر قبله از بین رفت پس به ناچار باید به فکر ساخته جدیدی باشند. و این از آنان عجیب نیست، چون این از جمله چیزهایی است که یهودیان با همه پیامبران و بلکه با خداوند متعال به کار گرفته اند، بدانگاه که به آنان دستور داد تا ترنجبین و بلدرچین بخورند، و می گفتند: پروردگارا، از خطاهای ما در گذر، در نتیجه آن را به گندم تغییر دادند، آنگاه خداوند متعال فرمود:

﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ

ظَلَمُوا رَجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (بقره / ۵۹)

«سپس ستمگران (از فرمان خدایشان سرپیچی کردند) و گفتاری را که به آنان گفته بودیم، دگرگون کردند. پس در برابر سرپیچی و تمردشان، از آسمان بر آنان عذابی نازل کردیم».

این موضوع ساختگی، از نوع بی ارزش است و موضع گیری شان در قبال رسالت اسلامی در ابتدای رسیدن به مدینه روشن می گرداند. این امر از دو حدیث زیر به خوبی آشکار می شود:

۱- حدیث صفیه بنت حیی بن أخطب - رضی الله عنها - که گوید: «من دوست داشتنی ترین فرزند پدرم در نزد او و در نزد عمویم، ابویاسر بودم، هرگاه همراه آن دو با فرزند دیگری از آنان می بودم، فقط مرا برمی داشتند. صفیه گوید: پس هنگامی که رسول الله ﷺ به مدینه آمد، پدرم حیی بن أخطب و عمویم ابویاسر بن أخطب بامدادان در حال سپیده دم به سوی او روانه شدند. صفیه گوید: و آن دو برنگشتند تا زمانی که آفتاب غروب کرد. در ادامه گفت: پس آن دو خسته و کوفته و بی حال و افتاده آمدند و به آرامی راه می رفتند. صفیه گوید: با حالت گشاده روئی نزد آنان شتافتم، سوگند به خدا به هیچ یک از آن دو ننگریستم در حالی که آن دو غمگین و ناراحت بودند. وی گفت: از عمویم ابویاسر شنیدم که به پدرم حیی بن أخطب می گفت: آیا او همان محمد ﷺ است؟ پدرم گفت: آری، به خدا قسم. گفت: آیا وی را خوب می شناسی؟ گفت: بله. گفت: در درونت نسبت به وی چه احساسی داری؟ گفت: به خدا قسم، دشمنی با او تا زمانی که زده ام».<sup>۱</sup>

۲- حدیثی که بخاری با سند خویش از انس رضی الله عنه روایت کرده که وی گوید: «عبدالله بن سلام به محل ورود رسول الله ﷺ در مدینه رسید، پس نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من راجع به سه چیز از تو سؤال می کنم که تنها پیامبر خدا جواب آنها را می داند: اولین نشانه

از نشانه‌های قیامت چیست؟ اولین طعمی که بهشتیان می‌خورند چیست؟ و فرزند چه وقت شبیه پدرش است و چه وقت شبیه دایی‌هایش است؟ رسول‌الله ﷺ فرمود: هم‌اکنون جبرئیل جواب این سؤالات را به من گفت، عبدالله گفت: جبرئیل در میان فرشتگان، دشمن یهود است. رسول‌الله ﷺ فرمود: اولین نشانه از نشانه‌های قیامت آتش است که مردم را از مشرق تا مغرب جمع می‌گرداند. اولین طعمی که بهشتیان می‌خورند، جگر زیاد ماهی است، و راجع به شباهت فرزند به پدر یا دایی‌هایش باید گفت که هرگاه مرد با زن نزدیکی نماید، اگر آب مرد بر آب زن پیشی گیرد، آن وقت فرزند شبیه پدرش است و اگر آب زن بر آب مرد پیشی گیرد، آن وقت فرزند شبیه مادرش است. عبدالله بن سلام گفت: گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا هستی. سپس گفت: ای رسول‌خدا ﷺ، یهودیان مردمی دروغگو هستند اگر بدانند که اسلام آورده‌ام قبل از اینکه از آنان سؤال کنی، نزد تو دروغ را به من نسبت می‌دهند. پس یهودیان آمدند و عبدالله داخل خانه شد، آنگاه رسول‌الله ﷺ فرمود: عبدالله بن سلام کدام یک از شماست؟ گفتند: داناترین ما و پسر داناترین ما و بهترین ما و پسر بهترین ما. پس رسول‌الله ﷺ فرمود: نظر شما چیست اگر عبدالله اسلام بیاورد؟ گفتند: خداوند وی را از آن پناه دهد! پس عبدالله نزد آنان رفت و گفت: گواهی می‌دهم که هیچ معبود بر حق نیست بجز الله و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ فرستاده خداست. یهودیان گفتند: این مرد، بدترین ما و پسر بدترین ماست و به جان وی افتادند.<sup>۱</sup>

(۲) منافقان که در هر زمانی وجود دارند دوستان یهود و نصارا، و دشمنان مؤمنان‌اند، در باطل فرو رفتند و راجع به تغییر قبله به همراه یهودیان دروغگو و حیل‌باز سخن گفتند. و این چیز تازه‌ای برای آنان نبود و فقط سخن آقایانشان از یهودیان را کاملاً تکرار می‌کردند همچنان که منافقان جهان اسلام در عصر حاضر انجام می‌دهند.

(۳) مشرکان به تار عنکبوت چنگ زدند با این گمانشان که محمد از دین خود برگشته و به دین آباء و اجدادش اشتیاق پیدا نموده، و اینکه تغییر قبله به بیت‌الحرام گام اول برای

۱- صحیح البخاری، کتاب الأنبياء، باب قول الله و «إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة...» حدیث شماره



---

برگشتن از دین خود است که سرانجام به پیروی از دین و آئین ما منتهی می‌شود. اینان هنوز بچه‌اند و یک تحلیل ساده، فهم و آگاهی پیامبر و صحابه و رسالت را آشکار نمی‌سازد.

## مبحث دوم:

### قبله ما و ویژگیهای امت پیشوا و امت راکد و بی حرکت

بسیاری از مردم به سنتها و بدعتهای نیمه شعبان - بنا به یکی از آراء که نیمه شعبان زمان تغییر قبله است - مشغول اند اما نصوص قرآنی که راجع به امت میانه و الگو برای مردم سخن می گوید مرا به خود مشغول کرده و خواب را از من گرفته است. و با دقت به این ویژگیهایی که امت اسلامی را به درجه رهبری و الگو بودن برای مردم می رساند، نگاه کردم، ولی اگر هر کس به سرعت به واقعیت کنونی در جهان معاصر بنگرد، امتی بی جان و بی حرکت را می بیند که پشت سر دشمنش حرکت می کند و به دنبال زندگی خواری از پس مانده های ساخته ها و تولیدات دیگران می دود؛ پس سخن را راجع به ویژگیهای امت پیشوا والگو مطابق نصوص قرآنی، و ویژگیهای امت بی جان و بی حرکت مطابق واقعیت کنونی برگزیدم؛ تا مسلمانان درد را احساس نمایند و به سوی درمان آن بشتابند.

### مطلب اول:

#### ویژگیهای امت پیشوا در آیات تغییر قبله

تغییر قبله در مشخص کردن ویژگیهای امت پویا و زنده امر بسیار مهمی است؛ امتی که در دومین آیات تغییر قبله به طور صریح و ویژگیهای آن آمده است، آنجا که خداوند متعال می فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ

الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (بقره / ۱۴۳)

«بی گمان شما را ملت میانه روی قرار داده ایم (نه در دین افراط و غلوی می ورزید، و نه در آن تفریط و تعطیلی می شناسید. حق روح و حق جسم را مراعات می دارید و آمیزه ای از حیوان و فرشته اید) تا گواهانی بر مردم باشید (و بر تفریط مادیگرایان لذائذ جسمانی طلب و روحانیت باخته، و بر افراط تارکان دنیا و ترک لذائذ جسمانی کرده، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده اعتدال مشاهده نمائید) و پیغمبر (نیز) بر شما گواه باشد (تا چنانچه دسته ای از شما راه او گیرد، و

یا گروهی از شما از جاده سیرت و شریعت او بیرون رود، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجت و گواه باشد».

از لابه لای همه نصوص قرآنی به ویژه آیات مربوط به تغییر قبله، برایم این گونه ظاهر شده که ویژگیهایی امت پیشوا و الگو به صورت زیر است:

### اول - امت پیشوا، امتی یکتاپرست و یکپارچه و واحد است:

امت پیشوا، امتی است که ایمان دارد پروردگارش یکی است، و این امت به خاطر این انتساب مطمئن و محکم، امتی واحد است که قبله‌ای واحد آن را جمع می‌گرداند. و مصدر اساسی برای تلقی برنامه و منهجش که هیچ گونه تعارض و تضادی در آن نیست، وحی است که به صورت قرآن و سنت تجلی پیدا کرده است و بدین خاطر زمانی که خداوند متعال مسلمانان را به رو کردن به سوی بیت المقدس امر فرمود، آنان از این دستور الهی اطاعت کردند، و زمانی که از آنان خواست که به قبله دائمی «کعبه» برگردند، اطاعت کردند و در حالی که در نمازشان در حال رکوع بودند آن هم به صورت بسیار نادر از تسلیم محض به اوامر و نواهی وحی خداوندی. این توحید و یکتاپرستی، وحدت بخش اساسی امت است به همین خاطر امت اسلامی، امتی واحد است. مؤمنان این تسلیم و فرمانبرداری محض را تنها به یک اعتقاد درونی و قلبی منحصر نکرده‌اند بلکه عمل و رفتار بیرونی را هم به آن اضافه کرده‌اند به گونه‌ای که یک مسلمان، در پنج وعده نماز و تعداد زیادی از رکعات نمازهای فرض و سنت در هر جا از سرزمین خدا باشد، به بیت الله الحرام رو می‌کند. این اعتقاد جازم و ممارست عملی به گونه‌ای است که در وجدان و ضمیر هر مسلمان زنده‌ای استقرار یافته که او موحد و یکتاپرست است و به امتی واحد منتسب است. و به همین خاطر در خود آیات قرآنی زیاد به رو کردن به سوی کعبه امر شده است. شیخ محمد مکی الناصر در کتاب خود تحت عنوان «التیسیر فی أحادیث التفسیر»، ج ۱، ص ۹۴ کار زیبایی انجام داده که تکرار امر به رو کردن به سوی مسجد الحرام را در سه مرحله تقسیم بندی کرده است:

(۱) آیه:

﴿فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ (بقره / ۱۴۴)

«پس رو به سوی مسجدالحرام کن».

متوجه کسی است که کعبه را می بیند.

(۲) آیه:

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾

(بقره / ۱۴۹ و ۱۵۰)

«از هر مکانی که بیرون رفتی (و به هر جا که رسیدی، به هنگام نماز در همه نقاط

جهان) رو به سوی مسجدالحرام کن».

متوجه کسی است که از مسجدالحرام بیرون رفته و پیوسته در مکه نیست و کعبه را

نمی بیند.

(۳) فرموده:

﴿وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾ (بقره / ۱۴۴)

«و (ای مؤمنان!) در هر جا که بودید روهای خویشان را (به هنگام نماز) به جانب

مسجدالحرام کنید».

متوجه سایر مسلمانان در بقیه نقاط زمین و سرزمینهای دیگر می باشد.

این امر جامع اعتقادی و تشریعی و عملی مستمر در هر جایی از سرزمین پهناور الهی

است.

### دوم - امت پیشوا، امتی است که صاحب پیشینه علمی است:

لفظ «علم» ۸۶۵ بار، لفظ «تذکر» ۱۸۴ بار، لفظ «سؤال» که نصف علم است ۱۲۹ بار، لفظ

«عقل» ۴۹ بار و لفظ «تدبر» ۴۴ بار در قرآن تکرار شده است. این مقدار زیاد از

توصیه های الهی و نصیحت های نبوی راجع به اهتمام به جنبه های علمی است تا اینکه امتی

جوان به وجود آید که به علم و ابداع و اختراع در هر چیز سودمندی برای پیشرفت اقدام

نماید. عجیب است که در ربع اول از جزء دوم قرآن واژه علم و متعلقات آن هشت بار،

معرفت دو بار و تلاوت یک بار آمده؛ و به همین خاطر هرگاه خواستیم که امت الگو و پیشوا بسازیم واجب است که علم شرعی و عملی و تکنولوژی و پزشکی و هندسی و دیگر علوم سودمند، اساس و پایه اصلاح جامعه باشد و ما در این علوم پیشقدم باشیم، همچنان که تمدن اسلامی مشعل نور برای تمام بشریت بود و سراسر کره زمین از این پیشرفت در دو جنبه تمدن مادی و اخلاقی سخن می گوید. این از مسلماتی است که امکان ندارد کمترین رهبری را برای بشریت داشته باشیم مگر زمانی که تمامی گنجینه های علمی که نزد دیگران است، از آن خود کنیم و لباس اسلامی به تن آن کنیم، لباسی که در آن ماده، با روح؛ مال، با ارزشها؛ قوانین، با تربیت؛ هدف، با وسیله؛ و ... ارتباط پیدا می کند.

### سوم - امت پیشوا، صاحب منهج و روشی خاص در پرورش و تزکیه است:

تزکیه به معنای رشد و نمو دادن است. و در یک چهارم اول قرآن که آیات مربوط به تغییر قبله در آن آمده، سخن از حضرت ابراهیم و دعایش است که می فرماید:

﴿ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ (بقره / ۱۲۹)

«ای پروردگار ما، در میان آنان (که از دودمان ما و منقاد فرمان تویند) پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر ایشان فرو خواند و کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار شریعت و مقاصد آن) را بدیشان بیاموزد و آنان را (از شرک و اخلاق ناپسند) پاکیزه نماید، بی گمان تو عزیزی و حکیمی (و بر هر چیزی توانا و پیروزی، و هر کاری را که می کنی بنابر مصلحت و برابر حکمتی است)».

خداوند متعال هم دعایش را اجابت نمود و به همراه آن تزکیه را میان تلاوت و علم قرار داد. و نصوص قرآن منهج تزکیه را در ۲۰ آیه مورد تأکید قرار داده؛ از جمله:

الف - آیه:

﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴾ (شمس / ۹-۱۰)

«کسی رستگار و کامیاب می‌گردد که نفس خویشتن را (با انجام طاعات و عبادات، و ترک معاصی و منہیات) پاکیزه دارد و بپیراید (و آن را با هویدا ساختن هویت انسانی رشد دهد و بالا برد) و کسی نومید و ناکام می‌گردد که نفس خویشتن (و فضائل و مزایای انسانیت خود را در میان کفر و شرک و معصیت) پنهان بدارد و بپوشاند، و (به معاصی) بیالاید».

ب - آیه:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۖ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ (اعلی / ۱۴-۱۵)

«قطعاً رستگار می‌گردد کسی که خویشتن را (از کثافت کفر و معاصی) پاکیزه دارد. و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگزارد و فروتنی کند».

ج - آیه:

﴿وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (فاطر / ۱۸)

«هر کس پاکی پیشه کند (و خویشتن را از کثافات معاصی پاکیزه دارد) پاکی او برای خودش است (و خود از آن سود می‌برد... به هر حال) بازگشت (همگان، اعم از کافران و مؤمنان) به سوی خدا است (و سرانجام به حساب عاصی و مطیع خواهد رسید)».

و تزکیه به معنای رشد دادن استعدادها و نیروها و توانائی‌های افراد و جوامع به صورت متوازن و هماهنگ در جنبه‌های روحی و اخلاقی و عقلی و اجتماعی و مادی است به گونه‌ای که کل جامعه در مسیر تزکیه حرکت کند تا امروزش بهتر از دیروز و فردایش بهتر از امروزش باشد. این همان پیشرفت حقیقی است، و این صورتهای رایج تزکیه در جنبه علمی بدون جنبه اخلاقی، یا جنبه علمی و اخلاقی بدون جنبه جسمی و مادی، یا همه اینها بدون جنبه‌های روحی نیست.

#### چهارم - امت پیشوا، دارای استقلال است:

در آیاتی که راجع به تغییر قبله بحث می‌کند، دو بار با یک لفظ این آیه آمده است:

﴿ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا

يَعْمَلُونَ ﴾ (بقره / ۱۳۴ و ۱۴۱)

«(به هر حال) آنان قومی بودند که مردند و سر خود گرفتند. آنچه به چنگ آوردند متعلق به خودشان است، و آنچه فرا چنگ آورده‌اید از آن شماست، و درباره آنچه که می‌کرده‌اند از شما پرسیده نمی‌شود (و هیچ کس مسئول اعمال دیگری نیست و کسی را به گناه دیگری نمی‌گیرند)».

به دنبال این استقلال عقیدتی، استقلال تشریعی آمده که آن هم تغییر قبله است تا این امت میراث تمامی مقدسات داشته باشد، ولی مسجدالحرام نخستین خانه‌ای است که برای مردم بنیانگذاری شده، و قبله پیامبران و محل نزول وحی است و آیات متعددی پشت سر هم آمده که ضرورت روکردن به سوی داخل و خارج مسجدالحرام را بیان می‌کند تا جایی که اگر انسان در دورترین نقطه شمال یا جنوب، شرق یا غرب هم باشد و در هر جا باشیم، قبله، یکی است. و این از جمله چیزهایی است که شکل و ویژگی خاصی به مسلمانان می‌دهد و آنان را از دیگران متمایز می‌سازد. پس همه مسلمانان از لحاظ قلبی و جسمی متعلق به قبله یعنی کعبه هستند که در مسجدالحرام واقع شده است. مسلمانان در کمترین مسائلی که مربوط به شعائر تعبدی، انحرافات اخلاقی و یا اوهام اعتقادی است از یهود یا نصارا، مجوس یا هندو، کمونیست یا سوسیالیست پیروی نمی‌کنند. این امتی که می‌تواند برای خود جایگاهی در منظومه جهانی قرار دهد، زیر دست یا وابسته دولتها نیست، بلکه اصل این است که این امت، پرچمدار و گواه بر همه جهان باشد و دینش، برترین ادیان در جهان باشد. آیات زیر این امر را به خوبی روشن می‌سازند:

(۱) آیه:

﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

كُلِّهِ ۖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾ (توبه و صف / ۳۳ و ۹)

«خدا است که پیغمبر خود (محمد ﷺ) را همراه با هدایت و دین راستین (به میان مردم) روانه کرد تا این آئین (کامل و شامل) را بر همه آئینها پیروز گرداند (و به منصب ظهورش رساند) هرچند که مشرکان نپسندند».

(۲) آیه:

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴾ (آل عمران / ۱۱۰)

«شما (ای پیروان محمد ﷺ) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور و آئینی که برآند. ولی تنها عده کمی) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظائف آن) هستند».

این استقلال در اعتقاد و تشریع و ارزشها و اخلاق، چیزی است که هر مسلمانی را در امت اسلام وامی‌دارد که با تمام توان در راه عزتمند کردن امتش، تقویت بنیان و پایه‌اش، رسوخ اخلاقش، استقرار اقتصادش، گسترش مدارس و دانشگاه‌هایش، و زیاده‌داری خیرخواهی میان افرادش بکوشد؛ به دیگران بدهد و دست‌گدائی به سوی دیگران دراز نکند؛ ابتکار و اختراع کند و دنباله‌رو و وابسته نباشد؛ امتی تولیدکننده باشد و تنها مصرف‌کننده غربال شده تمدنهای مختلف نباشد بلکه اختراعات خوب و نوآوری‌های زیاد و انواع فنون و امکانات مختلف داشته باشد؛ از برهنگی و بی‌حجابی و زنا و شراب‌خواری به دور باشد، و باید حضوری جهانی و تأثیری تاریخی در مسلمان و غیرمسلمان داشته باشد.



### مطلب دوم:

#### ویژگیهای امت راکد و بی حرکت

#### اول - امت راکد و بی حرکت، عقیده‌اش فاسد است:

امت بی جان و بی حرکت، امتی است که به خدائی ایمان دارد که نمی‌تواند پیروانش را یاری کند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبْنَ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ﴾

(حج / ۱۵)

«کسی که گمان می‌برد خدا پیغمبرش را در دنیا و آخرت یاری نمی‌دهد و پیروز نمی‌گرداند، (بداند که خداوند به کوری چشم او، وی را در هر دو سرا پیروز می‌گرداند. لذا از خشم بترسد و بمیرد و هر کاری که از دستش ساخته است انجام دهد؛ مثلاً) او ریسمانی به سقف خانه بیاویزد و سپس (خویشتن را حلق‌آویز و راه نفس را) قطع نماید و (تا سر حد مرگ پیش رود و بدین هنگام بنگرد و) ببیند آیا این کار، خشم او را فرو می‌نشاند (و خودکشی، پیروزی را از محمد باز می‌گرداند؟)».

یا به پروردگاری ایمان دارد که تنها در آفرینش حق دارد و در فرمانروایی حقی ندارد، یا به نظرش محدوده امر خدا کم است و رزق و روزیهای پروردگار برای غذا دادن کودکان کفایت نمی‌کند، در نتیجه تولیدات بشری را با کاهش نسل کم می‌کند و در تولیدات اقتصادی خود با اعتقاد به کمبود منابع و یا سیطره انسان سرکش غربی تجدیدنظر می‌کند، و در هر یک از اینها حق ماست که هر پس‌مانده و وارد شده‌ای را قبول کنیم.

یا امت بی جان و بی حرکت، امتی متواکل<sup>۱</sup> است که عقیده قضا و قدر را تنها در اسباب قبول دارد و در مسببات و نتایج قبول ندارد؛ پس به دنبال تولید و تلاش و کوشش و طلب علم و تعلیم مردم نمی رود؛ در نتیجه امتی دنباله رو و فرمانبردار هر کس و زیردست دیگران می شود. پیامبر ﷺ در حدیثی که ابن مسعود روایت می کند از این حالت جمود و بی حرکتی و ذوب شدن در دیگران بر حذر نموده آنجا که می فرماید: «اغْدِ عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً، وَلَا تَكُونَنَّ إِمْعَةً»<sup>۲</sup>: «فردا دانشمند یا تحصیل کرده باش و دنباله رو دیگران مباش».

امت بی جان و بی حرکت، افرادش از مردم بیشتر می ترسند تا از پروردگار مردم، از این رو امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند، ظالم را از ارتکاب ظلم منع نمی کنند، درمانده را پناه نمی دهند، آواره و سردرگم را راهنمایی نمی کنند، یتیم را سرپرستی نمی کنند، حاکم را نصیحت نمی کنند، به انسان ضعیف و زیردستان رحم نمی کنند، به مستمند و یتیم و اسیر غذا نمی دهند، منفی گرایی شعارشان است و گوشه گیری عادتشان است. اینها دردهایی هستند که در مخ و دل و اعضای امت رسوخ کرده اند.

امت بی جان و بی حرکت، در میانش عقاید و افکار فال گیری و احساس بد و ترس و آشفتگی شیوع پیدا می کند، زیرا آنان دورتر از آن هستند که دارای ایمانی باشند که آرامش و امن و امان را به وجود می آورد؛ خداوند متعال می فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ

(انعام / ۸۲)

﴿مُهْتَدُونَ﴾

«کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزاست، و آنان راه یافتگان (راه حق و حقیقت) هستند».

۱- متواکل کسی است که هیچ تلاش و کوششی برای به دست آوردن مایحتاج زندگی نمی کند و فقط امیدوار است و بدون آنکه کوششی نماید می گوید خدا بزرگ است و روزی ما را می رساند (مترجم)

۲- أعلام الموقعین، ۱۶۰/۲.

### دوم - امت راکد و بی حرکت، عقل و اندیشه‌اش خشک و بسته است:

امت بی جان و بی حرکت، عقل و اندیشه‌اش از توجه و دقت و تدبیر و علم و تفکر و نوآوری و اختراع خشک و بسته است؛ نسبتهای بی سوادى در میان آن منتشر می‌شود و نسبتهای بی‌کاری در میان آن زیاد می‌شود؛ مردم در قهوه‌خانه‌ها و تفریحگاه‌ها و پارک‌ها جمع می‌شوند و آموزشگاه‌ها و کارخانه‌ها در میانشان کم می‌شود؛ شکمهایشان پر است؛ عقلهایشان تهی و دلهایشان در خدمت هواهای نفسانی است؛ فقط لایه‌ای از علم بهره دارند ولی ریشه و بیخ جهل را دارا هستند؛ رنگهای زینت دو چندان می‌شود ولی پایه‌های بنیان ضعیف می‌شود.

### سوم - امت راکد و بی حرکت، قلبهایشان سخت و سفت است:

امت بی جان و بی حرکت، قلبهایی ندارد که به سوی بلندیاها و مدارج عالی بنگرد و به خوشنودی خدا و بهشت چشم بدوزد و قلبها به وسیله شب زنده‌داری و روزه و اذکار شب و روز شفا یابد، بلکه قلبهایشان سخت و سفت است و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (زمر / ۲۲)

«وای بر کسانی که دلهای سختی دارند و یاد خدا بدانها راه نمی‌یابد (و قرآن یزدان در آنها اثر نمی‌گذارد)».

این قلبها در مادیات غوطه‌ورند و از ایمانیات خالی هستند، مساجد امت بی‌جان و بی حرکت خالی است؛ بازارهایش شلوغ است؛ روزنامه‌ها و جرایدش پر از دروغ و فجور است؛ سینماهایش پر از رنگهای فتنه و انواع بدی است. این امت در شیوه‌ها و برنامه‌های زندگی‌اش غرق در تقلید دشمنش است و برنامه پروردگار محبوب و بخشنده‌اش را ترک نموده است.

در میان امت بی‌جان و بی حرکت، حاکم بر محکوم و محکوم بر حاکم، بزرگ بر کوچک و کوچک بر بزرگ، شوهر بر همسرش و همسر بر شوهرش، پدر بر فرزندش و فرزند بر پدرش، و همسایه بر همسایه‌اش بی‌رحمی و سنگدلی می‌کند. و شریک به شریکش ظلم

و خیانت می کند. و طلبکار، بدهکارش را تعقیب می کند و بدهکار از دست او فرار می کند. به امانتها خیانت می شود؛ حماقت ها و نادانی ها منتشر می شود؛ امور پسندیده و مکارم اخلاق کم می شود و امور ناپسند و زشت زیاد می شوند؛ محرمات سنگین و دشوار می شوند و بحران چند برابر می شود؛ این امت از هدایت خداوند و رهبری پیامبر ﷺ بهره ای ندارند؛ میان شرق و غرب و شمال و جنوب سرگشته و حیران اند:

﴿مُذَبِّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ﴾ (نساء / ۱۴۳)

«در این میان سرگشته و مترددند. (گاهی به سوی دین می روند و گاهی به سوی کفر می روند. زمانی خویشان را در صف مؤمنان، و زمانی در صف کافران جای می دهند! اما در حقیقت) نه با اینان و نه با آنان هستند (و گمراه و حیران اند)».

#### چهارم - امت را کد و بی حرکت، امتی متفرق و پراکنده است:

در میان امت بی جان و بی حرکت، ارزشهای حزب گرایی و نژادی مذموم بر برادری صمیمی برتری می یابد، و در آن تفرقه و اختلاف بر وحدت و اتفاق، و مذهب گرایی بر روابط عقیدتی برتری می یابد. در تاریخش به جای اینکه به تمدن اسلامی اش افتخار کند به جاهلیت متمسک می شود؛ به سوی خودخواهی تمایل دارد و به سوی ایشار پیشرفت نمی کند؛ به سوی کافران گمراه می رود و صاحبان بصیرت و خردمندان را می راند؛ افراد این امت به برادرانشان بدی می کنند و به دیگران نیکی؛ نسبت به کافران نرم و فروتن بوده و در برابر مؤمنان سخت و نیرومندند؛ به دنبال هر صدایی می روند و هدایت آفریدگار متعال را رها می کنند.

## مبحث سوّم:

### قبله ما و ساختن امت از رکود و بی‌حرکتی به سوی پیشوایی

هرچند واقعیت تلخ است اما مسلمان حقیقی برای تشکیل امت پیشوا همچنان امید و آرزو دارد و برای تحقق این مهم از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌کند و نتایج را به پروردگار آسمان و زمین واگذار می‌کند تا او خودش کار جهان را به مقتضای حکمت و مصلحت بگرداند و آیات خود را تشریح و توضیح دهد. و اسباب را آماده کند و فرشتگان و معجزات را بر کسانی فرو فرستد که یأس و ناامیدی را رها کرده و به امید چسبیده‌اند و آن را به عمل ملحق کرده‌اند، و بر خدایی که وعده داده خوب توکل نموده‌اند. خداوند این‌گونه وعده داده است:

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ﴾  
(نور / ۵۵)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آباد گردانند) همان‌گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). همچنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد، (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را انبازم نمی‌گردانند.»

آنچه در زیر می‌آید گام‌هایی است که قبله ما را رمز و امید و عمل به سوی امت پیشوا قرار می‌دهد:

### اول:

#### اینکه قبله، رمز توحید خالص باشد

کعبه، رمز توحید خالص از تمامی مظاهر شرک جلی و خفی شده است.

برخی از دلایل این امر عبارتند از:

۱- آیه:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتَ

لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (حج / ۲۶)

«ای پیغمبر! به خاطر بیاور) زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم و (پایه‌های قدیمی) آن را بدو نمودیم (و دستور دادیم که به بازسازی آن بپردازد. هنگامی که خانه کعبه آماده شد، به ابراهیم خطاب کردیم که این خانه را کانون توحید کن و) چیزی را انباز من منمای و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجده‌برندگان (از وجود بتان و مظاهر شرک و از هرگونه آلودگی ظاهری و معنوی دیگر) تمیز و پاکیزه گردان».

۲- خداوند متعال سوره حج را با سخن از عقیده خالص قبل از داخل شدن به مناسک حج آغاز کرده، پس ابتدا از قیامت و زنده شدن سخن گفته و اینکه خداوند، حق است و مردگان را زنده می‌گرداند و به بندگان ظلم نمی‌کند. و با سرزنش کسانی که غیرخدا را به فریاد می‌خوانند، توقف نموده است؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نَنْفَعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ

الْبَعِيدُ﴾ (حج / ۱۲)

«آنان جز خدا چیزهائی را به فریاد می خوانند و می پرستند که نه زیانی می توانند بدیشان برسانند و نه سودی را. این، سرگشتگی فراوان، و گمراهی بسیار دور (از حق و حقیقت) است».

و تأکید کرده که خداوند بندگان مؤمنش را یاری می کند و خداوند میان یهودیان و مسیحیان و ستاره پرستان داوری خواهد کرد، و همه هستی تسبیح خدای متعال را به جای می آورد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، و خورشید و ماه و ستاره ها و کوهها و درختان و جانوران و بسیاری از مردمان برای او سجده می کنند و به تسبیح و تقدیس او مشغول و سرگرم اند. و بسیاری از مردمان هم - که غافل بوده و برای خدا سجده نمی برند - عذابشان حتمی است. و همانا خداوند یکتا به دست خودش است که نافرمانان را داخل آتش دوزخ و فرمانبرداران را داخل بهشت گرداند. همه اینها قبل از آن است که خداوند متعال شروع به سخن از حج و ندای مردم برای حج، کرده باشد.

۳- در ابتدای سخن از مناسک حج، آیات قرآن به طور قاطع در جمع میان توحید خالص و برپای داشتن مناسک حج می آید و این در این فرموده خداوند متعال ظاهر می شود آنجا که می فرماید:

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣١﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۖ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْآنَعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ۖ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٢﴾ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ۖ﴾ (حج / ۲۹-۳۱)

«بعد از آن باید آلودگیها (و چرک و کثافت، و زوائد بدن همچون مو و ناخن) را از خود برطرف سازند، و به نذرهای خویش (اگر نذر کرده اند) وفا کنند، و خانه قدیمی و گرامی (خدا، کعبه) را طواف نمایند. آن (چیزی که گذشت، برنامه و مناسک حج بود) و هر کس اوامر و نواهی خدا را (به ویژه در مراسم و امور

مربوط به حج) بزرگ و محترم دارد، از نظر خدا چنین کاری (در دنیا و آخرت) برای او بهتر است... (خوردن گوشت) چهارپایان (همچون شتر و گاو و بز و گوسفند) برای شما حلال گشته است، مگر (گوشت) آن چهارپایانی که (در قرآن) برایتان بیان می‌شود (همچون مردار و غیره). و از (پرستش) پلیدها، یعنی بتها دوری کنید، و از سخن باطل و بی‌اساس بپرهیزید. حقگرا و مخلص خدا باشید، و هیچ‌گونه شرکی برای خدا قرار ندهید، زیرا کسی که برای خدا انبازی قرار دهد، انگار (به خاطر سقوط از اوج ایمان به حضيض کفر) از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان داده است) و پرندگان (تکه‌های بدن) او را می‌ربایند، یا اینکه تندباد او را به مکان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می‌کند (و وی را آن‌چنان بر زمین می‌کوبد که بدنش متلاشی و هر قطعه‌ای از آن به نقطه‌ای پرت می‌شود)».

وهنگامی که از قربانیها سخن می‌گوید، عبارت مربوط به توحید نیز در این فرموده خداوند آشکار است:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ  
الَّا نَعْمِرَ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾

(حج / ۳۴)

«(قربانی تنها منحصر به شما مسلمانان نبوده، و بلکه) ما برای هر ملتی (که پیش از شما به خدا ایمان داشته‌اند) قربانی را (که سمبول آمادگی انسان برای فداشدن در راه خدا است) مقرر کرده‌ایم، تا به نام خدا چهارپایانی را ذبح کنند که خدا بدیشان عطاء نموده است. خدای شما و ایشان خدای واحدی است (و برنامه او هم برنامه واحدی است، حال که چنین است) پس تسلیم (فرمان) او بوده، و (اعمالتان خالصانه برای او باشد. ای پیغمبر) مژده بده مخلصان متواضع (در برابر فرمان خدا) را (به بهشت و پاداش فراوان آفریدگارشان)».

همچنین عبارت مربوط به توحید در این آیه نیز آشکار است:



﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾

(حج / ۳۷)

«گوشتها و خونهای قربانیها (که مظاهر و صور ظاهری هستند به هیچ وجه مورد توجه خدا نبوده و) هرگز به خدا نمی‌رسد (و موجب رضای او نمی‌گردد) و بلکه پرهیزگاری (و ورع و اخلاص) شما بدو می‌رسد (و رضا و خوشنودی‌اش را به دست می‌آورد) این گونه که (می‌بینید) خداوند حیوانات را مسخر شما کرده است تا خدا را به خاطر اینکه هدایتتان نموده است (و به سوی انجام اعمال نیکو رهنمودتان کرده است) بزرگ دارید و (سپاسگزار الطاف او باشید. ای پیغمبر!) نیکوکاران را (به پاداش عظیم و لطف بزرگ خدا) مژده بده».

این تنها نمونه‌هایی برای باهم آمدن توحید خالص و مناسک حج بیت‌الله الحرام بود.

۴- از بزرگترین پیامهای ربانی در سیره نبوی از بین بردن شرک و بت پرستی و بحت آزمائی و فال بینی با تیرها در اطراف کعبه و داخل و خارج بیت‌الحرام است به گونه‌ای که برائت و بیزاری از مشرکان به صورت قوی در تنها سوره‌ای که خالی از «بسم الله الرحمن الرحيم» است یعنی سوره توبه، آمده به گونه‌ای که با اعلان جنگ علیه شرک پیرامون کعبه شروع می‌شود آنجا که می‌فرماید:

﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۚ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۚ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ۚ وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ ۚ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۚ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه / ۱-۳)

«(این، اعلام) بیزاری خداوند و پیغمبرش از مشرکانی است که شما (مؤمنان) توسط فرستاده خدا، فرمانده کل قوا) با آنان پیمان بسته‌اید (و ایشان آن را به دلخواه شکسته‌اند و به دشمنان اسلام پیوسته‌اند. به آنان چهار ماه فرصت داده می‌شود که در این فاصله یا به اسلام بگروند، یا سرزمین عربستان را ترک کنند، و یا اینکه آماده نبرد با مسلمانان شوند). پس (ای مؤمنان، به کافرن بگوئید: آزادانه چهار ماه در زمین بگردید (و از آغاز عید قربان سال نهم هجری، یعنی روز دهم ذی‌الحجه همان سال، تا روز دهم ماه ربیع‌الآخر سال بعدی، یعنی سال دهم هجری، به هر کجا که می‌خواهید بروید و بگردید) و بدانید که شما (در همه حال و همه آن، مغلوب قدرت خدائید و از دست او نجات پیدا نمی‌کنید و) هرگز نمی‌توانید خدا را درمانده کنید، و بی‌گمان خداوند کافران را خوار و رسوا می‌سازد. این اعلامی است از سوی خدا و پیغمبرش به همه مردم (که در اجتماع سالانه ایشان در مکه) در روز بزرگترین حج (یعنی عید قربان، توسط امیرمؤمنان علی بن ابیطالب و به امیرالحاجی ابوبکر صدیق، بر همگان خوانده می‌شود) که خدا و پیغمبرش از مشرکان بیزارند و (عهد و پیمان کافران خائن را ارج نمی‌گذارند. پس ای مشرکان عهدشکن، بدانید که) اگر توبه کردید (و از شریک قاتل شدن برای خدا برگشتید) این برای شما بهتر است، و اگر سرپیچی کردید (و بر کفر و شرک خود ماندگار ماندید) بدانید که شما نمی‌توانید خدای را درمانده دارید و (خویشتن را از قلمرو قدرت و فرماندهی او بیرون سازید. ای پیغمبر! همه) کافران را به عذاب عظیم و سخت دردناک مژده بده».

اما انسان دلیر، علی بن ابیطالب این اعلان را به دستور پیامبر ﷺ انجام داد همچنان که دارمی از ابوهریره رضی الله عنه آورده که وی گوید: «كنت مع علي بن أبي طالب لما بعثه رسول الله صلى الله عليه وسلم فنأدى بأربع حتى سهل صوته ألا إنه لا يدخل الجنة إلا نفس مؤمنة ولا يحجن بعد العام مشرك ولا يطوف بالبيت عريان ومن كان بينه وبين رسول الله عهد فإن أجله إلى

أربعة أشهر فإذا مضت الأربعة فإن الله برىء من المشركين ورسوله<sup>۱</sup>: «همراه علی بن ابیطالب بودم آن وقت که رسول الله ﷺ او را فرستاد. پس علی به هر چهار طرف بانگ برآورد تا جایی که صدایش خیلی بلند بود: آگاه باشید داخل بهشت نمی شود مگر انسان مؤمن، و بعد از امسال هیچ مشرکی حق حج خانه خدا را ندارد و هیچ برهنه ای طواف خانه خدا را به جا نمی آورد. و هرکس که با رسول الله ﷺ پیمانی دارد، چهار ماه فرصت دارد، پس از گذشت چهار ماه بدانید که خدا و پیغمبرش از مشرکان بیزارند». و از شعائر این امت شد، شعائری که این امت بدان افتخار می کند و از آن تجاوز نمی نماید؛ که احدی از مشرکان نزدیک مسجدالحرام نمی شود به خاطر این فرموده خداوند متعال:

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نجسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِن شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾  
(توبه / ۲۸)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، بی گمان مشرکان (به سبب کفر و شرکشان، از لحاظ عقیده) پلیدند، لذا نباید پس از امسال (که نهم هجری است) به مسجدالحرام نزدیک شوند. اگر (بر اثر قطع تجارت آنان با شما) از فقر می ترسید، (نترسید که) خداوند شما را به فضل و رحمت خود (از خلق و از مشرکان) بی نیاز می گرداند؛ چرا که خدا آگاه (از کار شما است و برای گرداندن آن) دارای کمال عنایت و حکمت است».

حقیقت این است که شرک امروزی، بتهای نصب شده و محسوسی ندارد که مردم برایش سجده کنند، بلکه شرک، شهوات سرکشِ هواهای نفسانی و اموال هنگفت و مقام و منصب است که برخی به آن چشم می دوزند و با این کار خدا را از خود خشمگین می سازند و به دنبال مشرکان جهت کسب نعمتها و امکانات مادی یا از ترس نداری

۱- سنن الدارمی، کتاب الصلاة، باب: النهی عن دخول المشرك المسجد الحرام، شماره ۱۴۰۲.

می‌دوند. و این کلام پروردگار است که این شرک قلبی را رسوا می‌سازد آنجا که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾

(عنکبوت / ۱۷)

«همانا کسانی غیر از خدا را که می‌پرستید، توانائی روزی رساندن به شما را ندارند، پس روزی را از پیشگاه خدا بخواهید و او را بندگی و سپاسگزاری کنید، (و بدانید که سرانجام برای حساب و کتاب و سزا و جزا) به سوی او برگردانده می‌شوید».

در این مسئله نیاز است که ما با نفس خود صادق باشیم که آیا ما حقیقتاً عقیدهٔ خالص را از تیرگی تعلق به غیر خداوند در قالب دولتها و جامعه‌ها و خانواده‌ها و افراد حمل می‌کنیم؛ چیزی که برخی از ما را به ترک ارزشهای اخلاقی و پیروی از دشمنان خداوند متعال که با اصول عقیدتی و اخلاقی و تشریعی ناسازگار است واداشته است.

## دوم:

### اینکه قبله، رمز وحدت قوی باشد

هر وحدتی که بر پایهٔ توحید و تقوای خداوند و عبادت نیکوی او نباشد، آن وحدت، بی‌اساس و از بین رفتنی است. خداوند این وحدت را به این توحید و اخلاص برای خدا به وسیلهٔ بندگی ربط داده است؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿وَإِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ (مؤمنون / ۵۲)

«(و بدیشان گفتیم به اقوام خود برسانند که) این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه‌ای بوده (و آئین واحد و برنامهٔ یکتائی دارند) و من پروردگار همهٔ شما هستم، پس تنها از من بهراسید (چرا که ملت واحد، با برنامهٔ

واحد، باید از خدای واحد بترسد و خویشتن را از عذاب و عقاب او به دور دارد».

در جای دیگری می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾

(انبیاء / ۹۲)

«این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه‌ای بوده و (آئین واحد و برنامه واحدی دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید (چرا که ملت واحد، با برنامه واحد، باید رو به خدای واحد کند)».

هرگاه ما از کعبه به عنوان رمز توحید خالص حرف می‌زنیم، این امر امت را از وحدانیت عقیده‌اش به وحدت صفوفی که باعث می‌شود هر مسلمانی بر روی زمین حداقل پنج بار در هفده رکعت و در نمازهای سنت سیزده رکعت و گاهی در رمضان به بیش از بیست رکعت هم می‌رسد، بکشانند. این بدان معناست که همه افراد این امت به رشته کعبه چنگ زده‌اند و به همین خاطر قبله رمزی شده در حدیثی که بخاری با سند خود از انس روایت کرده که وی گوید: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى نَخَامَةً فِي الْقِبْلَةِ، فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ حَتَّى رُئِيَ فِي وَجْهِهِ، فَقَالَ: إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنَّهُ يَنَاجِي رَبَّهُ أَوْ إِنْ رَبَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ»<sup>۱</sup>: «پیامبر ﷺ آب بینی را در طرف قبله دید، این امر برایش سخت بود تا جایی که از چهره‌اش دیده می‌شد، آنگاه فرمود: همانا هر یک از شما وقتی که در نماز است، با پروردگار خویش مناجات و راز و نیاز می‌کند - یا همانا پروردگارش بین او و قبله است».

حقیقت این است که اصطلاح اهل قبله که از این حدیث و دیگر احادیث گرفته شده، رمز وحدت امت، و آرزوی همیشگی شده که این امت در سیاست و اقتصاد و آموزش و آباد کردن سرزمینها و رشد دادن خوبی‌ها یا ترکیه افرادش و عدم جواز بیرون کردن احدی از اسلام مادامی که به قبله ما نماز می‌خواند، جمع شود.

۱- صحیح البخاری، ابواب المساجد، باب حک البزاق بالید من المسجد، شماره ۳۹۷.

آنچه در زیر می‌آید نشان‌دهنده رمز بودن قبله برای وحدت قوی است:

۱- آنچه طحاوی در عقیده‌اش ذکر کرده که: «اهل قبله‌مان را مسلمان و مؤمن می‌نامیم مادامی که به تمامی آنچه که پیامبر ﷺ آورده، اعتراف کنند و پیامبر ﷺ را در هر چیزی که فرموده و خبر داده، تصدیق نمایند».

۲- ابن تیمیه در «الفتاوی» می‌گوید: «مذهب اهل سنت و جماعت تقریر کرده و کتاب و سنت هم بر آن دلالت می‌کند که آنان احدی از اهل قبله را به خاطر گناهی تکفیر نمی‌کنند و احدی را به خاطر ارتکاب عمل حرامی از قبیل زنا، دزدی و شراب‌خواری از دایره اسلام خارج نمی‌کنند تا زمانی که این عمل متضمن ترک ایمان نباشد. اما اگر متضمن ترک ایمان به چیزهایی باشد که خداوند به آن امر نموده، مانند ایمان به خدا، فرشتگان، کتابهای آسمانی، پیامبران، و زنده‌شدن پس از مرگ، در این صورت کافر و از دایره اسلام خارج می‌شود».

اما وقتی که مذهب‌گرایی و حزب‌گرایی در میان افراد ملت زیاد شود که منجر به ناسازگاری و اختلاف و کُشت و کشتار و دشمنی می‌شود تا جایی که خونی که در دنیا می‌ریزد، خون مسلمان به دست برادر مسلمانش است و قدرت جهانی از این امر به طور آشکار و پنهان حمایت و تقویت می‌کند، آن وقت انسان پیوسته این امید را دارد که امت اسلام علی‌رغم اختلافات زیادش، پیرامون کعبه هیچ اختلافی ندارد و ندیده‌ایم که احدی در هر جای دنیا بجز کعبه دیگران را به نماز فرا بخواند و این امر عنوانی بر این وحدت شده آن هم برای کسانی که راه‌ها و شیوه‌های مختلفی دارند و در تاریکی‌های تعصب نژادی یا مذهب‌گرایی متفرق شده‌اند و در تفرقه و اختلاف دستور شیاطین جن و انس را اجابت نموده و ندای پیامبر ﷺ را رها کرده‌اند.

در حقیقت پشت هر فرقه‌ای، فهم نادرستی وجود دارد و پشت هر خونی که ریخته می‌شود عقل و اندیشه تکفیری وجود دارد به گونه‌ای که مسلمان خون هیچ مؤمنی را حلال نمی‌داند، چون این امر فاعلش را در آتش دوزخ جاودان می‌سازد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾  
(نساء / ۹۳)

«و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد (و از ایمان او باخبر بوده و تجاوزکارانه او را به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند، کافر به شمار می آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و عذاب عظیمی برای وی آماده می کند».

اما برادر دینی اش را عمداً می کشد و این عمل را عبادت می داند چون معتقد است که کافری را کشته است. این امر مذموم و زشتی است که از تفکری که به خاطر شبهه تکفیر می کند و مسلمان را به خاطر ارتکاب گناه از دایره اسلام خارج می کند و هر چیزی را حتی لغزش زبانی و عملی را به امور اعتقادی ملحق می گرداند، ناشی می شود. پیامبر ﷺ در رویدادها و حوادث مختلفی این کار را با اصحابش انجام نداد. و این موجب می شود که ما از روی اذعان و تسلیم در کنار آن قدری توقف و تأمل کنیم. از جمله این رویدادها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- حدیثی که مسلم با سند خود از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت کرده که وی گوید: قال رسول الله ﷺ: «أبى امرئ قال لأخيه: يا كافر، فقد باء بها أحدهما إن كان كما قال وإلا رجعت عليه»<sup>۱</sup>: رسول الله ﷺ فرمود: «هرکس به برادر دینی اش بگوید: ای کافر، اگر آن چنان باشد، گفته یکی از آن دو مشمول کفر می شود و اگر چنان نباشد، کفر به خودش برمی گردد».

۲- حدیثی که مسلم با سند خود از اسامه بن زید رضی الله عنه روایت کرده که گوید: «بعثنا رسول الله ﷺ في سرية فصبحنا الحرقات من جهينة فأدركت رجلاً فقال لا إله إلا الله. فطعنته فوق في نفسي من ذلك فذكرته لنبي ﷺ فقال رسول الله ﷺ: «أقال لا إله إلا الله و قتلته». قال قلت: يا رسول الله! إنما قالها خوفاً من السلاح. قال: «أفلا شققت عن قلبه حتى تعلم أقالها أم

۱- صحیح مسلم، باب بیان حال ایمان من قال لأخيه المسلم يا كافر، ۴۲/۲، شمار ۱۷۸.

لا». فها زال یکررها علیّ حتی تمنیت أنى أسلمت یومئذ<sup>۱</sup>: «رسول الله ﷺ ما را به سریه‌ای فرستاد، پس بامدادان با شمشیرهای برّان به سوی جهینه حرکت کردیم، بر مردی (از کسانی که در مقابل ما می‌جنگیدند) سیطره یافتیم، چون مرا دید بلافاصله گفت: لا إله إلا الله. پس او را زدم و به دلم افتاد که او لا إله إلا الله گفت و نباید وی را می‌کشتم. پس آن را برای پیامبر ﷺ بازگو کردم و رسول الله ﷺ فرمود: «آیا لا إله إلا الله گفت و وی را کشتی؟» اسامه گوید، گفتم: ای رسول الله ﷺ وی لا إله إلا الله را از ترس اسلحه گفت. پیامبر ﷺ فرمود: «آیا از درون قلبش خبر داشتی تا اینکه بدانی آیا از ترس اسلحه گفته یا خیر». پیوسته این سؤالات را بر من تکرار می‌کرد تا جایی که آرزو کردم که ای کاش من آن روز مسلمان شده بودم».

۳- حدیثی که بخاری با سند خود از علیّ رضی الله عنه روایت کرده که وی می‌گوید: «بعثنی رسول الله ﷺ أنا و الزبیر و المقداد بن الأسود قال: «انطلقوا حتی تأتوا روضة خاخ، فإن بها ظعينة و معها كتاب، فخذوه منها». فانطلقنا تعادى بنا خيلنا حتى انتهينا إلى الروضة، فإذا نحن بالظعينة فقلنا أخرجى الكتاب فقالت: ما معى من كتاب. فقلنا لتخرجن الكتاب أو لنلقين الثياب فأخرجته من عقاصها، فأتينا به رسول الله ﷺ، فإذا فيه من حاطب بن أبى بلتعة إلى أناس من المشركين من أهل مكة، يخبرهم ببعض أمر رسول الله ﷺ، فقال رسول الله ﷺ: «يا حاطب، ما هذا»، قال: يا رسول الله، لا تعجل علىّ. إني كنت امرأً ملصقاً فى قريش، و لم أكن من أنفسها، و كان من معك من المهاجرين لهم قرابات بمكة، يحمون بها أهلهم و أموالهم، فأحببت إذا فاتنى ذلك من النسب فيهم أن أتخذ عندهم بدأ يحمون بها قرابتي، و ما فعلت كفراً و لا ارتداداً و لا رضاً بالكفر بعد الإسلام. فقال رسول الله ﷺ: «لقد صدقكم». قال عمر يا رسول الله، دعنى أضرب عنق هذا المنافق. قال: «إنه قد شهد بدراً، و ما يدريك لعل الله أن يكون قد اطلع على أهل بدر فقال اعملوا ما شئتم، فقد غفرت لكم»<sup>۲</sup>: «رسول الله ﷺ من و

۱- صحيح مسلم، كتاب الإيمان، باب تحريم قتل الكافر بعد أن قال لا إله إلا الله، شماره ۹۶.

۲- صحيح البخارى، كتاب الجهاد و السير، باب الجاسوس و قول الله لاتخذوا عدوى و عدوكم ...، شماره ۲۸۴۵.



زبیر و مقداد بن اسود را به مأموریتی فرستاد و فرمود: «به باغ خاخ بروید که در آنجا «ظعینه» هست و نوشته‌ای همراهش است، آن نوشته را از وی بگیرید». ما هم روانه شدیم و اسبهایمان را به سرعت دواندیم تا اینکه به باغ رسیدیم، ناگهان «ظعینه» را دیدیم و گفتیم: آن نوشته را در آر. گفت: نوشته‌ای همراه ندارم. گفتیم: یا آن نوشته را بیرون می‌آوری یا اینکه لباس را بالا می‌زنیم. پس آن نوشته را از زیر گیسویش بیرون آورد. نوشته را برای رسول الله ﷺ بردیم، ناگهان دیدیم که در آن حاطب بن ابی بلتعہ برای تعدادی از مشرکان مکه نامه‌ای نوشته بود که در آن مشرکان را از بعضی کارهای رسول الله ﷺ مطلع کرده بود، پس رسول الله ﷺ فرمود: «ای حاطب، این چیست؟» حاطب گفت ای رسول الله، بر من عجله مکن، من شخصی بودم که به قریش چسبیده ام و از خودشان نبودم، و افرادی از مهاجرین که با تو هستند، خویشاوندانی در مکه دارند که زن و فرزندان و اموالشان را حفاظت و حمایت می‌کنند، من هم دوست داشتم چون در میان قریش خویشاوند و فامیلی ندارم، حداقل کاری کرده باشم که به وسیله آن خویشاوندانم در مکه مورد حمایت و حفاظت قرار بگیرند، و این کار را از روی کفر و ارتداد و رضایت به کفر بعد از اسلام انجام ندادم. رسول الله ﷺ فرمود: حاطب به شما راست گفت. عمر گفت ای رسول الله ﷺ، بگذار تا گردن این منافق را بزنم. پیامبر ﷺ فرمود: وی در جنگ بدر حضور داشته، تو چه می‌دانی به تحقیق خداوند از نیات اهل بدر مطلع بوده و فرموده: هر کاری که می‌خواهید انجام دهید، چون شما را بخشیده‌ام».

۴- چهل صحابی با دستور صریح و قطعی الدلاله و قطعی الثبوت پیامبر ﷺ در غزوه احد مخالفت کردند زمانی که پیامبر ﷺ به آنان فرموده بود: هیچ یک از شما از جایش تکان نخورد هر چند ببیند که پرندگان اجساد ما را برابند. در عین مخالفت آشکارشان با این دستور پیامبر ﷺ، قرآن آنان را تکفیر نکرد، بلکه در آیات قرآنی درس عملی در خصوص جایز نبودن تکفیر به خاطر ارتکاب گناه وجود دارد و خداوند از لابلای آیاتش در خصوص تعامل حکیمانه در این گونه مواقع، درس بزرگی به ما داده است؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾

(آل عمران / ۱۵۵)

«آنان که در روز رویارویی دو گروه (مسلمانان و کافران در جنگ احد) فرار کردند، بی گمان اهریمن به سبب پاره‌ای از آنچه کرده بودند (که سرکشی از فرمان خدا بود) آنان را به لغزش انداخت و خداوند ایشان را بخشید، چرا که خداوند آمرزنده و شکبیا است».

۵- قرآن به صراحت بیان کرده که مسلمان حتی اگر با برادر مؤمنش بجنگد، باز جایز نیست اسلام را از وی گرفت می‌فرماید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَفَقِّتْلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات / ۹)

«هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند، در میان آنان صلح برقرار سازید. اگر یکی از آنان در حق دیگری ستم کند و تعدی ورزد (و صلح را پذیرا نشود)، با آن دسته‌ای که ستم می‌کند و تعدی می‌ورزد، بجنگید تا زمانی که به سوی اطاعت از فرمان خدا برمی‌گردد و حکم او را پذیرا می‌شود. هرگاه بازگشت و فرمان خدا را پذیرا شد، در میان ایشان دادگرانه صلح برقرار سازید و (در اجرای مواد و انجام شرائط آن) عدالت به کار برید، چرا که خدا عادلان را دوست دارد».

بخاری آیه فوق‌الذکر را در زیر بابی از ابواب کتاب‌الایمان آورده و پس از آن می‌گوید: «خداوند آنان را مؤمن نام نهاده است» یعنی با وجود پیکار با همدیگر، قرآن صفت ایمان را از آنان نفی نکرده است در حالی که ما امروزه به خاطر کوچک‌ترین شبهه‌ای دیگران را تکفیر می‌کنیم.

ما از هر کسی که ذره‌ای از دین و عقل در وجودش مانده، می‌خواهیم که از تکفیر اهل قبله و هدر دادن کرامت و حیات انسان دست بردارد؛ انسانی که خداوند متعال وی را تکریم و گرامی داشته می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء / ۷۰)

«ما آدمیزادگان را (با اعطاء عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت راست، و غیره) گرامی داشته‌ایم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبهای گوناگون) حمل کرده‌ایم، و از چیزهایی پاکیزه و خوشمزه روزیشان داده‌ایم، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم».

ما نیاز داریم که دوباره در اعمال و رفتار خود تجدیدنظر کنیم تا قبله‌مان، عنصر و پایه‌ای اساسی گردد که دلها و دیده‌ها رو به آن کند و به سوی وحدت صاحبان قدرت و خردمندان، و روستا و کشورها پیش رود؛ تا اینکه همه اینها ید واحدی باشند در رویارویی با خطرانی که از جانب دشمنان و فاجران و بدخواهان شب و روز ما را تهدید می‌کند؛ با این امید که به وسیله این وحدت در پیشگاه خداوند شکست‌ناپذیر و بخشنده سربلند و رستگار باشیم.

### سوم:

#### اینکه قبله، رمز امنیت و آرامش باشد

خداوند متعال برای کعبه ارزش و احترام خاصی در دلهای تمام مردم قرار داده تا جایی که وقتی که مردم دچار شرک و بت پرستی شدند زمانی که خواستند کعبه را بسازند نگذاشتند که مهریه حرام یا مال ربوی یا مالی که به ظلم به دست آمده در آن صرف کنند، و بر حرمت بیت‌الحرام و تحریم پیکار در مسجدالحرام یا اطراف آن متفق شدند، و اسلام این عرف خوب را تأیید کرد و به گونه‌ای شد که هر انسان زنده‌ای در این مکان در امن و امان است و هر انسان یا پرنده یا حیوانی به آن انس و الفت می‌گیرد و در این باره خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا يَلْفِ قُرَيْشٌ ۖ إِلَيْهِمْ رِحْلَةُ الْشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۖ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا  
الْبَيْتِ ۖ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾  
(قریش / ۱ تا آخر)

«به خاطر انس و الفت قریش. به خاطر انس و الفت ایشان به کوچ زمستانه و تابستانه (بازرگانی به سوی یمن در زمستان و به سوی شام در تابستان). بایستی خداوندگار این خانه (خدا، کعبه) را پرستند (که این امن و امنیت را در طول راه و در شهرها و کشورهای پر از کشمکش و ستم و جنگ و غارت، برای ایشان فراهم آورده است). خداوندگاری که از گرسنگی ایشان را رها کرده است و خوراکشان داده است. و آنان را از خوف و هراس (راهزنان قبائل در راهها، و ستمگران و قلدران در شهرها و کشورهای رهایی بخشیده است و) ایمن ساخته است».

۲- ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا ۖ﴾ (بقره / ۱۲۵)  
«(و به یاد آورید) آنگاه را که خانه (کعبه) را پناهگاه و مأوای امن و امان مردم کردیم...».

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ﴾ (مائده / ۹۵)  
«ای مؤمنان، هنگامی که در حالت احرام هستید (و یا اینکه در سرزمین حرم به سر می برید) شکار مکشید.» یعنی حتی شکار هم در سرزمین حرم، در امان است.  
۴- ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۖ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ  
إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۖ فَعَلِمَ مَا لَمْ  
تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (فتح / ۲۷)

«خداوند خواب را راست و درست به پیغمبر خود نشان داده است. به خواست خدا همه شما در امن و امان و سرتراشیده و موکوتاه کرده و بدون ترس، داخل

مسجدالحرام خواهید شد، ولی خداوند چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید، و به همین جهت (قبل از فتح مکه) پیش آورد.»

این امن و امنیت با اموال دنیوی قابل ارزیابی نیست. پس انسان ترسو اگر مخیر شود میان اینکه همه مالش را بدهد و اینکه جان و زن و مال و فرزندانش در امان باشد، تمام دارایی‌اش را خواهد بخشید تا این امنیت را به دست آورد. پس هر چند قبله از لحاظ مکان و سرزمین و تاریخ رمز این امن و امنیت است و موجب است تا اینکه نورش در هر مکانی بتابد، اما انسان موجودی است که دردها را دو چندان می‌کند و از این امن و امنیت می‌کاهد آنگاه که به دیگری ظلم می‌کند در نتیجه این ظلم و ستم به خودش برمی‌گردد. حتی یک نفر قدرتمند و ثروتمند وقتی به دیگری ظلم می‌کند و از امنیتش می‌کاهد، او در همان وقت از امنیت خودش می‌کاهد؛ زیرا او قصد کینه و دشمنی و انتقام به خاطر خودش دارد، در نتیجه شب و روز ترسو و هراسان است. اما اگر میان دور و نزدیک با عدالت و میزان درست حرکت می‌کرد، در آن صورت پروردگار وی را حفظ می‌کرد و دوستی مردم او را حمایت می‌کرد و امن و امنیتش دو چندان می‌شد.

ایجاد امنیت در خانواده و جامعه و وطن، مسئولیت هر انسانی است و این امنیت در صورتی تحقق می‌یابد که انسان واجبات و تکلیف خود را انجام دهد و حقوق و حریم دیگران را رعایت کند؛ در نتیجه این امر، این انسان اولین کسی است که از این امن و امنیتی که به دیگری بخشیده، بهره می‌برد و از جانب خداوند مهربان برایش دو چندان می‌شود.

#### چهارم:

#### اینکه قبله، رمز اعتدال و میانه روی باشد

به روشنی، ارتباط قبله با اعتدال و میانه‌روی آشکار می‌گردد آنجا که در قرآن در سیاق تغییر قبله از مسجدالاقصی به مسجدالحرام، این امت یک بار به اعتدال و میانه‌بودن موصوف شده است؛ خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْنَاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾ (۱۴۲-۱۴۳)  
 جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴿

«نابخردان مردم خواهند گفت: چه چیز ایشان را از قبله خود که بر آن بودند برگرداند؟ بگو: خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خداست. هر که را بخواهد به راه راست رهبری می‌نماید. و بی‌گمان شما را ملت میانه‌روی کرده‌ایم (نه در دین افراط و غلوی می‌ورزید، و نه در آن تفریط و تعطیلی می‌شناسید. حق روح و حق جسم را مراعات می‌دارید) تا گواهانی بر مردم باشید (و بر تفریط مادی‌گرایان لذائذ جسمانی طلب و روحانیت باخته، و بر افراط تارکان دنیا و ترک لذائذ جسمانی کرده، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده اعتدال مشاهده نمائید) و پیغمبر ﷺ بر شما گواه باشد( تا چنانچه دسته‌ای از شما راه او گیرد، و یا گروهی از شما از جاده سیرت و شریعت او بیرون رود، با آئین و کردار خویش برایشان حجت و گواه باشد».

عطف در کلمه «و کذلک»، در آن دلالتی است بر اینکه این دشمنی قوی از طرف یهودیان و منافقان که متوجه مسلمانان می‌شود به خاطر غلو و افراط نیست بلکه به خاطر اعتدال و میانه‌روی است، زیرا اعتدال و میانه‌روی از ویژگیهای امت گواه بر مردم و صاحب رهبری برای تمام جهان است. تجلی صورتهایی از اعتدال و میانه‌روی در اسلام در جنبه‌های اساسی، عقیده، اخلاق، و احکام و قانونگذاری‌اش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

### ۱- اعتدال و میانه‌روی در عقیده اسلامی

وحدانیت و یکتاپرستی، حد وسطی است میان نفی الوهیت و خداوند در نزد کمونیستها و مادی‌گرایانی که خداوند درباره‌شان می‌فرماید:

﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَحَيًّا وَمَا يَلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾

(جاثیه / ۲۴)

«(منکران رستاخیز) می گویند: حیاتی جز همین زندگی دنیائی که در آن به سر می بریم در کار نیست. گروهی از ما می میرند و گروهی جای ایشان را می گیرند، و جز طبیعت روزگار، ما را هلاک نمی سازد».

و میان کسانی که معتقد به تعدد آلهه و خدایان هستند مانند یهودیان و مسیحیان؛ همان طور که خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفَكُونَ﴾

(توبه / ۳۰)

«یهودیان می گویند: عُزَیْر پسر خدا است (چرا که آنان را بعد از یک قرن خواری و مذلت از بند اسارت رهانید و تورات را که از حفظ داشت دوباره برای ایشان نگاشت و در دستریشان گذاشت)، و مسیحیان می گویند: مسیح پسر خدا است (چرا که او بی پدر از مادر زائید). این سخنی است که آنان به زبان می گویند (و ادعائی بیش نیست و مبنی بر دلیل و برهانی نمی باشد. نه هیچ پیغمبری آن را گفته است و نه در هیچ کتاب آسمانی از سوی خدا آمده است. این گفتارِ آنان به کافرانی می ماند که پیش از آنان هم، چنین می گفتند (و مثلاً معتقد به حلول خدا در برخی از مخلوقات بودند و یا اینکه فرشتگان را دختران خدا می دانستند). خداوند کافران را نفرین و نابود کند چگونه (دروغ می گویند و چگونه از حق با وجود این همه روشنی به دور می گردند و) بازداشته می شوند؟!».

و این هندوها در حال حاضر ۳۸۰ میلیون اله غیر از الله را دارند که مورد پرستش قرار می گیرند؛ اما اسلام با عقیده میانه اش به واسطه وحدانیت خدای متعال، بلند پایه ایستاده است و این وحدانیت و یکتاپرستی رسالت اسلام برای تمام پیامبران است:

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴾  
(انبیاء / ۲۵)

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر اینکه به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید».

از جمله میانه‌روی و اعتدال عقیده اسلامی این است که میان دو جریان غلو و افراط واقع شده است. این دو جریان عبارتند از:

۱- کمونیستی که از زمان پیدایشش در تاریخ ۱۹۱۷/۱۰/۲۳ میلادی تاکنون (به نسبت کسانی که بر این عقیده مانده‌اند) اعلان می‌کند و معتقد است که: «هیچ خدائی وجود ندارد و زندگی تنها ماده است و بس» و هستی، آفریدگاری ندارد، و ما نیازی به خداوند نداریم. و تمام آنچه که به آن ایمان دارند، چیزهایی است که چشم آن را می‌بیند، یا دست لمسش می‌کند، یا بینی آن را استشمام می‌کند.

۲- لائیکیتی که وجود آفریدگار را نفی نمی‌کند بلکه معتقد است که خالق هستی، حق در قانونگذاری و امر و نهی و وضع برنامه برای بشر ندارد. از نظر آنان آفریدگار، خدائی عاجز و ناتوان است مانند آنچه که ارسطو گفته: «خداوند هستی را آفریده سپس آن را رها کرده و به وسیله قوانین طبیعت می‌چرخد».

به همین خاطر آنان، احکامی را وضع می‌کنند که مخالف همه ادیان الهی است؛ از قبیل اباحه زنا، فقیر کردن فقرا و نیازمندان، و از بین بردن ضعیفان. اما در اسلام عقیده کامل و ایمان به پروردگار هم به عنوان آفریدگار و هم به عنوان آمر و فرمانروا وجود دارد؛ چون خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ﴾  
(اعراف / ۵۴)

«آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد».

پس کسی که هستی را آفریده، فقط خودش حق امر و نهی را دارد. و این فرق اساسی است میان عقیده صحیح و عقیده باطل؛ همچنان که بیهقی با سند خود از عدی بن حاتم



روایت کرده که وی گوید: «أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ وَفِي عُنُقِي صَلِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ، قَالَ: فَسَمِعْتَهُ يَقُولُ: «اتَّخِذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَعْبُدُونَهُمْ، قَالَ: «أَجَلٌ، وَلَكِنْ يَحْلُونَ لَهُمْ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَسْتَحِلُّونَهُ، وَيَحْرَمُونَ عَلَيْهِمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فَيَحْرِمُونَهُ، فَتِلْكَ عِبَادَتُهُمْ لَهُمْ»<sup>۱</sup>: «نزد پیامبر ﷺ آمدم و در گردنم صلیبی از طلا بود. عدی گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: «آنان به جز خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته اند». عدی گفت، گفتم: ای رسول خدا، آنان علماء را نمی پرستیدند. پیامبر ﷺ فرمود: بله، اما علماء و پارسایان حرام خدا را برای دیگران حلال می کنند دیگران هم آن را حلال می دانند و علما و پارسایان حلال خدا را برایشان حرام می کنند و آنان هم آن را حرام می دانند. پس پرستش علماء و پارسایان توسط دیگران، چنین است».

حدیث مذکور این آیه را تفسیر می کند:

﴿ اتَّخِذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمُورًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴾

(توبه / ۳۱)

«یهودیان و مسیحیان علاوه از خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته اند (چرا که علماء و پارسایان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می کنند، و خودسرانه قانونگذاری می نمایند، و دیگران هم از ایشان فرمان می برند و سخنان آنان را دین می دانند و کورکورانه به دنبالشان روان می گردند. مسیحیان افزون بر آن) مسیح پسر مریم را نیز خدا می شمارند. (در صورتی که در همه کتابهای آسمانی و از سوی همه پیغمبران الهی) بدیشان جز این دستور داده نشده است که تنها خدای یگانه را بپرستند و بس. جز خدای یکتا معبودی نیست و او پاک و منزّه از شرک و ورزی و چیزهایی است که ایشان آنها را انباز قرار می دهند».

۱- سنن البیهقی الکبری، کتاب آداب القاضی، باب ما یقضی به القاضی و یتقی به المفتی فإنه غیر جائز له أن...، شماره

هم‌اکنون این یک قضیه اساسی و حیاتی است که قبل از اینکه وقت سپری شود هر چه زودتر ایمان به حق خداوند متعال در قانونگذاری و امر و نهی کامل شود، و اینکه بنده عاشقانه و بیمناکانه که جامع میان خوف و رجاء، رغبت و رهبت است، تسلیم پروردگارش شود؛ سر تسلیم برای هر قانونی که موافق هوای نفسانی است، خم نکند از قبیل: حق زن در نفقه بدون اینکه معتقد به حق شوهرش در قوامیت و سرپرستی باشد. یا برعکس حق مرد در اطاعت و فرمانبرداری از وی بدون اینکه ملتزم نفقه زنش باشد، و حقوق مقرر بر حاکم و محکوم و شرکا در تجارت و امثال آن. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا

فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (نساء / ۶۵)

«اما، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن به شمار نمی‌آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند».

بنابراین، ما اعتدال و میانه‌روی در عقیده را به بهترین و نیکوترین و والاترین و پاک‌ترین صورت حمل می‌کنیم.

به همین خاطر برای مؤمنان - کسانی که به کعبه دلبستگی دارند - عجیب نیست که هنگام فرمان مبنی بر روکردن به بیت‌المقدس، فرمانبرداری کنند و به بیت‌المقدس رو کنند، سپس زمانی که بدانان دستور داده شود که به بیت‌الله الحرام رو کنند، اطاعت نمایند و در حالت رکوع به طرف بیت‌الحرام بچرخند. این دقیقاً چیزی است که ما امروزه به آن نیاز داریم که فرمانبردار دستور الهی و ارشاد نبوی باشیم به ویژه در مواردی که با دو مورد زیر مخالفت دارد:

الف - هوای نفسانی که مخالف شریعت است.

ب - عرف غلط.

این چیزی است که دانشمند ربانی، شیخ عبدالکافی آن را «الطبع و الشرع» نام نهاده است؛ پس هرگاه انسان از شریعتی که مخالف طبع و آرزوی نفسانی است اطاعت نماید، مؤمن حقیقی است و اگر از طبع و آرزوی نفسانی که مخالف شریعت است اطاعت نماید، منافق و دغل باز است.

## ۲- اعتدال و میانه روی در اخلاق

اسلام نیکوترین صورتهای اعتدال و میانه روی در اخلاق را ارائه می دهد که این امر در موارد زیر روشن می گردد:

الف - شجاعت، حد وسط میان ترس و بی باکی است. درست نیست که انسان مؤمن، بزدل و ترسناک و ترسو باشد و درست هم نیست که بی باک و جسور و شتابزده باشد؛ بلکه شجاعت قلب در حکمت عقل است. به همین دلیل حکیمان گفته اند: «جهش های عواطف را با تأملات و دوراندیشی های عقلی مهار کنید». و این امر، حکمتی است که نیاز به توقف با نفس شتابزده هر چند به سوی کار خیر هم باشد، دارد. سعد بن ابی وقاص و صحابه ملتزم فرمان مبنی بر دست برداشتن از جهاد و بر پای داشتن نماز شدند تا اینکه خداوند در وقت مناسب اجازه جهاد داد. اما مصیبت بزرگتر در حال حاضر، ضعف و سستی و ترسوئی و وحشت است که دامنگیر بسیاری از مسلمانان از ترس مال و منصب و زن و فرزند شده است و باعث شده که مسلمان حق را کتمان نماید و با باطل دوستی نماید و از دیگران تقلید کند و در پی رضایت دشمنان خدا و منافقان باشد. همه اینها، مکارم و ارزشهای والا و میانه اخلاقی و همچنین میانه روی در انفاق که حد وسط میان بخل و تبذیر است، را از میان می برد. اما تدبیر و چاره اندیشی تنها راه مؤمنان و بندگان خوب خدای رحمان است، زیرا خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾

(فرقان / ۶۷)

«و کسانی‌اند که به هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده) نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری، و بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل، حد) میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند».

### ۳- اعتدال و میانه‌روی در تشریع و قانونگذاری

میانه‌روی و اعتدال‌والایی در احکام شرعی یافت می‌شود که در مادیگرایی و رهبانیت نمی‌بینیم. و در احکام شرعی، سخت‌گیری یا تساهل نمی‌بینیم. احکام شرعی‌ای که بر این امر دلالت می‌کنند به قرار زیر است:

الف - قاعدة «الغنم بالغرم» (سود در مقابل تاوان و زیان است). یعنی انسان به اندازه آنچه که سود می‌برد، تاوان بر او لازم است. پس معقول نیست که پدر متعهد تأمین مخارج فرزند صغیرش باشد سپس فرزند بزرگش، پدر را رها کند و از فقر و بیماری و تهیدستی رنج برد. و معقول نیست که زن در خانه به خاطر رعایت شوهر و فرزندان بنشیند اما سرپرستی کامل و حمایت کافی برایش نباشد. و معقول نیست که انسان از هوا و غذا و آب و علم و مال و حمایت و امنیت وطنش استفاده کند اما در زمان جوانی و توانایی‌اش از وطنش حمایت و دفاع نکند یا برای مجد و سربلندی و پیشرفتش تلاش نکند.

ب - احکام شرعی مربوط به زن، حد وسط میان آزادی بی‌قید و بند و سخت‌گیری و اسارتش است؛ به گونه‌ای که اسلام به زن اجازه می‌دهد که از خانه بیرون رود، علم کسب کند، کار کند، تجارت کند و در ساختن جامعه‌اش به وسیله اظهارنظر و رأی دادن مشارکت نماید؛ اما باید حجاب را رعایت کند، با بیگانگان و نامحرمات خلوت نکند، با نرمی و نازکی و به گونه هوس‌انگیز و با ادا و اطوار صحبت نکند، پاها را بر زمین نکوبد، و اولویت همیشگی‌اش رعایت شوهر و فرزندان باشد.

ج - اسلام، حد وسط میان تعامل با غیرمسلمانان در جایز نبودن تجاوز به حقوق آنان و گوشه‌گیری و عدم ارتباط و تعامل با آنان است؛ بلکه اسلام هم با غیرمسلمانان تعامل و ارتباط دارد و هم در این تعامل جانب اعتدال را رعایت می‌کند مادامی که آنان بر ما تجاوز و دست‌درازی نکنند یا کسانی را که بر ما تجاوز و دست‌درازی می‌کنند، یاری

نمایند. بر این اساس ما نه از دیگران تقلید و پیروی می‌کنیم و نه از آنان گوشه‌گیری و دوری می‌نمائیم بلکه اسلام به عنوان دینی که صاحب رسالت الهی و حامل امانت خدایی است با غیر مسلمانان تعامل و رابطه دارد. و به عنوان دینی با عزت و باشرافت، و دینی که به دنبال حکمت است که هر جا آن را بیابد از دیگران به آن مستحق‌تر است، و همانند کسی که بر بذل و بخشش خیر و خوبیها و نفع رساندن به دیگران حریص است، و همانند کسی که روحش از امور ناچیز و اخلاق پست بیزار و والاست در نتیجه سکوت و کلامش، بردباری و خشمش، صبر و کرامتش، حلم و حکمتش در دیگران تأثیر می‌گذارد، با غیرمسلمانان تعامل و ارتباط دارد.

### پنجم:

#### اینکه قبله، رمز تحمل مسئولیت راجع به مقدسات اسلامی مان باشد

ابتدا قبله به سوی بیت المقدس بود، بیت المقدسی که در احساس و وجدان و ضمیر هر مسلمانی، «اولین دو قبله، سوّمین حرم (پس از مکه و مدینه) و محل اسراء و معراج سرور جهانیان، حضرت محمد ﷺ» شد. و آیات قرآن در هر مسلمان و مؤمنی مسئولیتش را در قبال مسجدالاقصی که اسیر صهیونیست‌های متجاوز است و در قبال ملت فلسطین که دهها سال است که گرفتار این صهیونیست‌ها شده‌اند، خاطرنشان و گوشزد می‌نماید. لازم به ذکر است که صهیونیست‌های متجاوز و ستمگر نقشه استیلا بر دیگر مقدسات از قبیل حرم نبوی و مسجدالحرام را در سر دارند، و نصوص دینی با بیان واضح و استدلال روشن بیان کرده که یهودیان در هر زمانی سعی می‌کنند که مسلمانان را از مسجدالحرام بازدارند خواه از طریق جنگ نظامی یا به وسیله فتنه‌ها و حيله‌های تبلیغاتی باشد. راههای بازداشتن و منع از مقدسات و اشغال سرزمینها و اهانت به آبرو، متنوع است. و این نیاز به احساس همیشگی دارد که آیات قرآنی زیر در اعماق درون و وجدانش دائماً تکرار شود:

﴿ لَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴾ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَزَّابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾

(توبه / ۴۴-۴۵)

«آنان که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند در انجام جهاد با مال و جان (در راه یزدان) از تو اجازه نمی گیرند (زیرا جهاد واجب است و در اداء واجبات، کسب اجازه لازم نیست. این چنین مؤمنان راستینی که برای رفتن به جهاد اجازه نمی گیرند، به طریق اولی برای نرفتن به جهاد درخواست اجازه نمی کنند) و خداوند به خوبی افراد پرهیزگار را می شناسد (و از نیات و اعمال آنان کاملاً آگاه است). تنها کسانی از تو اجازه می خواهند که (در جهاد شرکت نکنند که مدعیان دروغینند و) به خدا و روز جزا ایمان ندارند و دلهایشان دچار شک و تردید است و در حیرت و سرگردانی خود به سر می برند».

جهاد، همه اش زدن با شمشیر و اسلحه نیست بلکه جهاد در اصل، دعوت دیگران با زبان است. دعوت به سوی اسلام اولین چیزی است که در قرآن نازل شده آنجا که می فرماید:

﴿ فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴾

(فرقان / ۵۲)

«پس (در تبلیغ رسالت و دعوت به حق، استوار و کوشا باش و) از کافران اطاعت مکن (و به دنبال هوسها و خرافات ایشان مرو) و با (اسلحه) قرآن با آنان جهاد بزرگ (و همه جانبه تبلیغاتی) را آغاز کن».

پس باید هر مسلمانی برای بیان حقایق قرآن و سنت پیامبر ﷺ با این جهاد دعوتی و تبلیغاتی شروع کنیم و امت اسلامی را جهت رویارویی با دشمنان زمانی که به حریم و مقدسات ما تجاوز کنند، آماده کنیم و آنان را رها نکنیم تا اینکه دشمنان بر سرزمین ما تسلط و چیره یابند و صاحبان سرزمینها را از آنجا برانند. امام الحرمین جوینی در این باره

می گوید: «هرگاه دشمنان اسلام به سرزمین اسلامی روی آورند، بر تمامی افراد امت واجب است که با آنان پیکار نمایند و هر یک باید به اندازه توانش با دشمنان مقابله کند قبل از اینکه دشمنان بر سرزمین اسلام تسلط و چیره یابند؛ چون دفع آسان تر از رفع است». یعنی دفع تجاوزگر در اوایل رسیدنش به سرزمین اسلام، آسان تر از رفع و دورکردنش از آنجاست بعد از آنکه در سرزمین اسلام جای گرفت و بر آنجا تسلط یافت و پایه های خود را بنا کرد و نقشه ها و برنامه های خود را در آنجا پیاده کرد.

یکی از واجبات، امر به معروف و نهی از منکر است. به خاطر احساس به امانت در پایان این کتاب، پیوستی را می آورم که جنبه ای از جنبه های عملی برای پشتیبانی و یاری ملت فلسطین بیان می کند؛ ملتی که ده ها سال است که مورد ظلم و قتل و آوارگی و در به دری و محاصره قرار گرفته اند تا جایی که یهودیان صهیونیست به ویران کردن مسجدالاقصی و ساختن معبد داود و سپس تلاش برای جنگ با سرزمین حَرَمَین (حرم مکی و مدنی) بر حسب نقشه های آشکار و پنهانشان، رسیده اند.

## خلاصه

- ۱- قبله اول و موقت (مسجدالأقصى) و قبله دوم و همیشگی (مسجدالحرام) دارای قداست بزرگی در دل و عقل و وجدان هر مسلمان راستینی است.
- ۲- با استقراء علمی و تحلیل منهجی آیات قبله در قرآن، و سنت به وضوح آشکار می‌گردد که هر دو قبله از جانب دشمنان به صورت همیشگی مورد تهدید و هجوم قرار می‌گیرند. و این چیزی است که موجب حمایت آن دو قبله هنگام تجاوز، و موجب آمادگی همیشگی برای حمایت آنهاست.
- ۳- با وجودی که تغییر قبله، یک موضوع داخلی مسلمانان بود به گونه‌ای که از یهودیان و مسیحیان و مشرکان خواسته نشده بود که به بیت‌الله الحرام رو کنند، اما با این وصف آنان با آشوبگری و فتنه‌انگیزی زیاد علیه مسلمانان با قضیه تغییر قبله مقابله نمودند و تجاوز آنان تا حد تجاوز بر قداست خداوند متعال رسید.
- ۴- از طرف دیگر موضع‌گیری مسلمانان در قبال تغییر قبله خیلی جالب و نیکو بود به گونه‌ای که در حالت رکوع به سوی قبله جدید روی برگرداندند که این نشانی از پیروی نادر جهت فرمانبرداری هرچه سریعتر از امر ربانی بود.
- ۵- آیات قبله و یزگیهای امت پیشوا را این چنین بیان کرده که امت پیشوا، امتی یکتاپرست و واحد است؛ دارای پیشینه علمی در هر علم سودمند برای تمام بشریت است؛ صاحب منهج و روش خاص تربیتی و پرورشی جهت ارتقای متوازن و هماهنگ افراد و خانواده‌ها و جوامع و مؤسسات در جنبه‌های روحی و اخلاقی و فکری و جسمی و تمدنی است؛ همچنین امت پیشوا دارای استقلال و سیادت قوی است.
- ۶- امت راکد و بی‌حرکت، عقیده‌اش فاسد است؛ عقل و اندیشه‌اش خشک و بسته است؛ قلبهایش سخت و سفت است؛ خوراکش از دست رنج خودش نیست؛ و محل اقامتش از آن خودش نیست.
- ۷- برای تحول از امت راکد و بی‌حرکت به امت پیشوا واجب است که قبل از عمل آرزو کنیم که قبله به صورت عملی نه قولی، رمز توحید خالص و بستر وحدت و اتحاد میان تمام اهل قبله باشد و از اندیشه تکفیر دوری کنیم؛ و آرزو کنیم و سپس آن را عملی



---

سازیم که قبله، رمز اشاعه امن و امنیت برای تمامی اهل قبله باشد؛ و قبله، رمز اعتدال و میانه‌روی در عقیده و اخلاق و قانونگذاری باشد؛ همچنین آرزو کنیم و سپس آن را عملی سازیم که مسئولیت‌مان به صورت فردی و ملی و حکومتی راجع به آزادسازی و حمایت قبله اول و دوم‌مان را به خوبی ادا کنیم.

## پیوست کتاب

### تکلیف آحاد امت اسلامی راجع به کمک و یاری به ملت فلسطین

سپاس برای خدایی که ما را به وسیله اسلام آوردن عزت و سرافرازی بخشید، و ما را به سوی ایمان هدایت نمود. و درود و سلام بر سرور پیامبران و فرستادگان، حضرت محمد ﷺ و درود و سلام بر پیروان آن حضرت ﷺ و بر کسانی باد که تا روز قیامت به نیکی راه آنان را می‌پیمایند.

اما بعد

سخنم راجع به این قضیه ضروری، پیرامون سه محور زیر می‌چرخد:

- ۱- واقعیت دردآور ملت فلسطین در رویارویی با دشمنی جهانی.
- ۲- تکلیف آحاد امت اسلامی در خصوص کمک و یاری ملت فلسطین.
- ۳- استراتژی اتکا به خود.

### اول - واقعیت دردآور ملت فلسطین در رویارویی با دشمنی جهانی:

در قرن گذشته میلیون‌ها مسلمان به قتل رسیده‌اند و آواره و در به در شده‌اند بدون آنکه احدی از حال و وضعیت آنان آگاهی یابد، چون ماهواره‌ها و اینترنت و خبررسانی‌های جهانی نبود؛ اما جهان امروزی که در موقعیت انفجار معلومات قرار دارد هنوز نتوانسته که خوارکردن و فشار و کُشت و کشتار و آواره کردن ملت فلسطین را از بین ببرد چه برسد به اینکه در تمامی مناطق و سراسر کره زمین بدان آگاه باشد. از اینجا مسئولیت در قبال این معلومات سرسام‌آوری که پیش روی هر انسان آزاده و بزرگ و عزیز و گرامی است، دو چندان می‌شود. و هرگاه بخواهیم که دستان را بر روی حقایق بگذاریم، باید اذعان داشت که ملت فلسطین بر همسایگانش تجاوز ننموده و احدی را از سرزمینش نرانده است، و همانا اسرائیل برای آنها نشانده شده و تمام قوای جهانی و دشمن اسلام و مسلمانان آن را یاری می‌کند تا اینکه اسرائیل از دست فلسطین نجات یابد، و شرق اسلامی به طور عام و ملت فلسطین به طور خاص گرفتار آنان شده است، و سوّمین حرم پس از حرم مکه و مدینه و اولین قبله مسلمانان اسیری شده که از ظلم صهیونیست‌ها به

خداوند شکایت می‌برد. اینک برخی از آمار از مراکز تحقیقات امریکا پیرامون آنچه که از زمان انتفاضه در مورخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی تاکنون روی داده است، می‌آوریم:<sup>۱</sup>

(۱) ۷۲۲ کودک فلسطینی در مقابل ۱۲۱ کودک اسرائیلی کشته شده است.

(۲) ۳۸۷۰ مرد و زن فلسطینی در مقابل ۱۰۸۴ مرد و زن اسرائیلی به قتل رسیده است.

(۳) ۲۹۷۶۸ نفر فلسطینی در مقابل ۷۶۳۳ نفر اسرائیلی مجروح شده‌اند.

(۴) آمریکا روزی ۲۳۳۲۹۰ دلار به فلسطینی‌ها می‌دهد در حالی که به اسرائیلی‌ها به طور مدام ۱۵۱۳۹۱۷۸ دلار از قبیل کمک‌های مردمی غیرنظامی و اقتصادی می‌دهد.

(۵) از زمان انتفاضه دوم مورخ ۲۹/۹/۲۰۰۰ تاکنون یک زندانی اسرائیلی یافت نشده در حالی که ۹۴۹۲ زندانی فلسطینی یافت می‌شود.

(۶) یک خانه اسرائیلی ویران نشده در حالی که ۴۱۷۰ خانه فلسطینی ویران شده است.

(۷) میزان بیکاری اسرائیل حدود ۸/۹٪ است اما میزان بیکاری فلسطین حدود ۲۴-۳۱٪ است به دلیل اقدامات سخت‌گیرانه اسرائیلی‌ها.

(۸) تا سال ۲۰۰۳ یک خانه مسکونی برای فلسطینی‌ها ساخته نشده است در حالی که از مارس ۲۰۰۱ تا جولای ۲۰۰۳، حدود ۶۵ منطقه مسکونی برای اسرائیلی‌ها ساخته شد.

اینها برخی از آمار آمریکا در خصوص وضع اسرائیل - که دولتی اشغالگر است - و وضع صاحبان اصلی سرزمین فلسطین است. و واقعیت کنونی که بر سرزمین فلسطین حاکم است تلخ‌تر از هر آماری است. و خداوند متعال راست فرموده آنگاه که می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ<sup>ط</sup> وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ

لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۱۴۶)

«آنان که بدیشان کتاب (آسمانی) داده‌ایم، او را (که محمد نام و پیغمبر خاتم است، خوب) می‌شناسند، بدان گونه که پسران خود را می‌شناسند و برخی از آنان

۱- به سایت ifamericaknew.com مراجعه نمایید.

بی گمان حق را (از جمله پیغمبری محمد و قبلگی کعبه را) پنهان می دارند، در حالی که می دانند».

حالا که فرصتی برای انتخابات آزاد پیش آمده و فلسطینی ها حکومت خویش را با اطمینان کامل انتخاب نمودند، فشارهای زیادی جهت خراب کردن روابط میان فلسطینی ها و ایجاد اختلافات و جنگها اعمال می شود؛ جنگهایی که تنها سازندگان آن از میان صهیونیست ها و کسانی که پشت سر صهیونیست ها هستند، از آن سود می برند؛ تا در نتیجه ملت و حکومت فلسطین را بر خضوع و تسلیم یا گرسنگی مجبور کنند.

گویم: همانا این موضع گیری ای است که بر حکومتها و جوامع و افراد امت اسلامی واجب می گرداند که در این زمینه موضع گیری واحد از نظر کمک و یاری و پشتیبانی و همکاری و همیاری بر نیکی و تقوا، و ایستادن در مقابل گناه و دشمنی و تجاوز و ایجاد اختلاف و تفرقه میان فرزندان یک ملت واحد، داشته باشند.

### **دوّم- تکلیف آحاد امت اسلامی در خصوص کمک و یاری به برادرانشان در فلسطین:**

از خلال فهم نصوص شرعی و توجه به حوادث و رویدادهای امروزی بر سرزمین فلسطین و عرب و اسلام و جهان، می توانم بگویم که: همانا از واجبات شرعی بر تمام مسلمانان اعم از افراد و سازمانها و گروه ها و حکومتها، این است که به دادِ ملت فلسطین برسند و آنان را کمک و یاری نمایند. برخی از دلایل این امر به قرار زیر است:

(۱) در قرآن کریم ۱۳۳ بار دستور به انفاق و تشویق بر آن و نکوهش آزمندی و بخل آمده است که ۳۳ بار آن درباره زکات در آیات مکی و مدنی، و ۱۰۰ بار درباره انفاق به صورت عام هر چیزی که موجب بخشش مال شود (زکات و غیرزکات) جهت برآوردن نیازهای عمومی و خصوصی افراد، آمده است. و این مقدار در تشویق بر انفاق خیلی زیاد است.

(۲) حوزه انفاق در قرآن کریم، برآوردن نیاز نیازمندان است، به گونه ای که تشویق بر انفاق در ۲۱ جا در مصارف انفاق آمده است در حالی که تشویق بر انفاق برای جهاد در

راه خدا در ۱۴ جا آمده است. هر دو امر مذکور (یعنی انفاق برای برآوردن نیاز نیازمندان و انفاق برای جهاد در راه خدا) بر مردم فلسطین منطبق است.

(۳) در پژوهش خودم راجع به سلطه ولی امر در تعیین واجبات مالی (ضرائب)، صفحه ۱۸۰-۲۲۱، بیش از سی دلیل از قرآن و سنت آورده‌ام مبنی بر اینکه واجب در مال تنها منحصر به زکات نیست بلکه شامل حقوق دیگری می شود که برای همه نیازهای مسلمانان و غیرمسلمانانی که در سایه دولت اسلام زندگی می کنند، کفایت می کند.

(۴) قواعد شرعی، کمک و یاری برادران فلسطینی مان را بر هر مسلمانی واجب می گرداند؛ برخی از این قواعد شرعی عبارتند از:

- «الضرر یزال»: «ضرر و زیان باید از بین رود».

- «یتحمل الضرر الخاص لأجل الضرر العام»: «ضرر خاص به خاطر [از بین بردن] ضرر عام، قابل تحمل است».

- «الضرر الأشد یزال بالأخف»: «ضرر بیشتر به وسیله [متحمل شدن] ضرر کمتر از بین می رود».

- «الحاجة تنزل منزلة الضرورة عامة كانت أو خاصة»: «نیاز به منزله ضرورت است اعم از نیاز عام و نیاز خاص».

- «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب»: «هر چیزی که واجب جز به وسیله آن تحقق نیابد، آن چیز هم واجب است».

- «الحاجی و التحسینی خادم للضروری»: «حاجیات و تحسینیات، در خدمت ضروریات هستند».

- «اختلال الضروری یُحلُّ بالحاجی و التحسینی»: «اختلال در ضروریات، موجب اختلال در حاجیات و تحسینیات می شود».

- «الشریکان فی عین مال أو منفعة إذا كانا محتاجین إلى دفع مضرة أو إبقاء منفعة أجبر أحدهما علی موافقة الآخر»: «دو نفری که در عین مال یا منفعتی شریک هستند، هرگاه هر دو نیاز

به دفع ضرر یا ابقای منفعت داشته باشند، یکی از آن دو مجبور می‌شود تا با دیگری موافقت نماید».

این قواعد شرعی‌ای که سیوطی یا ابن نجیم در «الأشباه والنظائر»، شاطبی در «الموافقات»، و ابن رجب در «القواعد الفقهية» ذکر کرده‌اند، موجب آن می‌شود که هر چه سریعتر به دادِ برادرانمان در فلسطین برسیم و به آنان کمک و یاری نمائیم، زیرا ضرر حتمی وجود دارد که آن هم پایمال کردن حقوق اسلامی است که موجب اشاعه روحیه یأس و ناامیدی در امت اسلامی می‌گردد به علاوه موجب می‌گردد که دشمنان با کمک وسایل مادی و معنوی قوی با برادرانمان در فلسطین جهاد کنند و امت اسلامی در پیشگاه پروردگارش سستی به خرج می‌دهد.

(۵) دانشمندان اسلامی در تمامی مذاهب فقهی در گذشته و حال بر وجوب بخشش فزونی مال بر هر فرد در مانده و نیازمند متفق‌اند. قرطبی در تفسیرش، (۲۲۵/۱) اتفاق علمای امت اسلامی بر آن را نقل کرده است. و هر مسلمانی می‌تواند که برای چنین امری در مذهب حنفی به آنچه که سرخسی در کتاب «المبسوط»، (۲۴-۲۹) ذکر کرده یا آنچه که کاسانی در کتاب «بدائع الصنائع» (۱۸۸/۶) آورده، مراجعه نماید. و در مذهب مالکی می‌توان به کتاب «الموطأ» اثر امام مالک (۱۷۱)؛ و کتاب «المتقی» اثر باجی (۳۹/۶)؛ و کتاب «القواعد» اثر ابن مکی (۳۴/۲)؛ و کتاب «الموافقات» اثر شاطبی (۹۷/۱) مراجعه کرد. در مذهب شافعی نیز می‌توان به کتاب «الغیثی» اثر جوینی، فصل «المشرفین علی الضیاع» (۳۳۷-۳۴۲)؛ و کتاب «الأحكام السلطانية» اثر ماوردی (۱۸۳)؛ و کتاب «المجموع» اثر نووی (۳۲/۹)؛ و کتاب «مغنی المحتاج» اثر شیرازی (۳۰۸/۴) مراجعه نمود. در مذهب حنبلی نیز می‌توان به کتاب «الأحكام السلطانية» اثر فراء (۲۲۰)؛ و کتاب «المغنی» اثر ابن قدامه (۶۰۲/۸) (۳۴۳/۱۱) مراجعه کرد. و در مذهب زیدی هم می‌توان به کتاب «شرح الأزهار» اثر ابن مرتضی (۵۵۴/۲) مراجعه نمود. و عجیب است که عبارات صریحی از بسیاری از این فقها وجود دارند که از جمله حق گرسنگان و بیماران و نیازمندان است که از حریمشان به خاطر حقشان در بخشش فزونی مال و اقامه عدل در بذل و بخشش پیکار

کنند. قرض‌آوی در برنامه «شریعت و حیات، که شبکه الجزیره در مجموعه ویژه‌ای در اول آوریل ۲۰۰۶ راجع به حقوق گرسنگان و نیازمندان آن را پخش کرد، اشاره نموده است. (۶) عبارتهای صریحی از بسیاری از فقهای امت اسلامی آمده مبنی بر اینکه بر آحاد امت اسلام واجب است که تکلیفشان را راجع به برادران نیازمندشان ادا کنند هر چند این تکلیف مالی بیشتر از زکات هم باشد. از جمله این سخنان و عبارتهای صریح فقها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - ابن حزم تعلیقی را بر حدیثی که بخاری با سند خود از عبدالله بن عمر روایت کرده که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «**مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ**»: «هرکس رحم نکند، به وی رحم نمی‌شود»، آورده و گفته است: «هر کس مالی اضافی داشته باشد و ببیند که برادر مسلمانش گرسنه و برهنه است و به دادش نرسد، بدون شک به وی رحم نکرده است.»<sup>۱</sup>

ب - ابن سعد در کتاب «طبقات الکبری» (۳/۳۱۶) از عمر بن خطاب رضی الله عنه آورده که وی گوید: اگر برای مردم مال کافی را نمی‌دیدم، ساز و برگ و وسایل دیگران را وارد هر خانواده‌ای می‌کردم تا به اندازه شکمشان آن را میان خود تقسیم کنند، زیرا مردم اگر به اندازه شکمشان خوراک داشته باشند، هلاک نمی‌شوند.

ج - ماوردی در کتاب «الأحكام السلطانية» صفحه ۱۸۳ ذکر کرده که عمر بن خطاب قومی را به پرداخت دیه مردی که از گرسنگی فوت کرده بود، مجبور کرد؛ زیرا آن مرد از آن قوم درخواست آب اضافی آنان کرده بود و آنان آب را به او ندادند تا اینکه آن مرد از تشنگی فوت کرد.

د - هندی در کتاب «کنز العمال» شماره ۱۵۸۲۳ و ابن حزم در کتاب «المحلی» (۶/۱۵۸) از علی بن ابی طالب آورده‌اند که وی گفت: «همانا خداوند تعالی در مال ثروتمندان برای فقرا حقی را به اندازه نیازشان مقرر فرموده، اگر ثروتمندان آن را از فقرا منع کنند و فقرا

گرسنه شوند یا زندگی را به سختی به سر برند، خداوند به سختی ثروتمندان را مورد حسابرسی قرار می‌دهد و آنان را به شدت عذاب می‌دهد.

ه - جوینی در کتاب خود «الغیائی» (ف: ۳۳۹) می‌گوید: هرگاه یک فقیر از بین رود در حالی که ثروتمندان از نیاز وی اطلاع دارند، همگی گناهکارند. در جای دیگری می‌گوید: هرگاه یک فقیر در میان ثروتمندان از بین رود و ثروتمندان از نیازش اطلاع داشته باشند، همه‌شان گناهکارند و خداوند در روز قیامت آنان را مورد بازخواست و حسابرسی قرار می‌دهد.

و - ابن تغری در کتاب «النجوم الزاهرة» (۷۲/۷)، و ابن کثیر در کتاب «البدایة و النهایة» (۲۱۵/۱۳) گفته‌اند عز بن عبدالسلام را آورده‌اند که وی اعلان داشته که هرگاه دشمن وارد سرزمینهای اسلام شود بر مسلمانان واجب است که با آنان بجنگند و هر یک می‌توانند آن مقدار مالی که برای جنگ با دشمن نیاز دارند، بردارند. و به وجوب فروش جواهرآلات و وسایل گران‌قیمت حاکمان اشاره کرده تا اینکه آنان نیاز مسلمانان در جهاد را برآورده کنند.

ز - همچنین میان علمای معاصر اتفاق نظر وجود دارد مبنی بر اینکه بخشش مال به نیازمندان خواه از طریق زکات یا از طریق غیرزکات، واجب است. از جمله این علماء شیخ بهی خولی در کتاب «الثروة فی ظل الإسلام» (۱۹۳)، دکتر عبدالسلام عبادی در کتاب «الملکیة فی الشریعة الإسلامیة» (۲۷۸/۲)، استاد بنده دکتر محمد بلتاجی رحمه‌الله در کتابش «الملکیة الفردیة فی النظام الاقتصادي الإسلامی» (۲۵۹)، دکتر یوسف ابراهیم در کتاب «النفقات العامة فی الإسلام» (۱۱۲)، و استاد ما شیخ قرضاوی در کتاب «فقه الزکاة» (۹۹۲-۹۶۱/۲) هستند.

از این ادله زیاد، احکام زیر برمی‌آید:

۱- بر هر مسلمانی که قادر است زکات بدهد، واجب است که قسمتی از زکات یا مقداری از اصل مالش را به برادرانش در فلسطین بدهد. به خاطر اینکه در خوارکردن ملتی که سرزمینش و در واقع سرزمین مقدس‌مان اشغال شده، ابعاد سیاسی و انسانی



وجود دارد، و کرامت و ارزش امت اسلامی از خلال این دشمنی و تحریم و آواره کردن تمام ملت فلسطین، پایمال می‌شود.

۲- اگر ثروتمندان امت اسلام، زکات یا قسمتی از زکات را برای نجات وضع موجود می‌دادند حتی اگر از راه زکات سالهای آینده هم باشد، این امر کمک خیلی خوب و مستحبی بود. و حسن و سعید بن جبیر و اوزاعی و ابوحنیفه و شافعی و احمد و اسحاق و ابوعبید دادن زکات قبل از و قتش را جایز دانسته‌اند؛ به دلیل اینکه مسلم روایت کرده که پیامبر ﷺ از عباس زکات دو سال را با هم گرفت. این موضوع توسط قرضاوی در کتاب «فقه الزکاة» (۸۲۱/۲-۸۳۷) مورد مناقشه و بررسی قرار گرفته و ادله مخالفان و موافقان ذکر شده است.

۳- اگر ما فلسفه زکات فطری را که بر هر مسلمان ثروتمند یا فقیر، بزرگ یا کوچک، مرد یا زن، واجب است، به زکات مال ملحق کنیم، در این شرایط و اوضاع می‌گوییم: واجب است که هر مسلمان روی کره زمین چیزی را بدهد که با آن، نیاز برادرانش که دشمنان اسلام از هر راهی آنان را تحریم کرده‌اند، برآورده شود. و این امر، بعید و غیرممکن نیست.

۴- وقتی که پنج نفر<sup>۱</sup> از مشرکان قریش سعی می‌کردند که پیمان‌نامه تحریم خرید و فروش و معامله با پیامبر ﷺ و اصحابش را نقض کنند، آنچنان که ابن قیم در «زاد المعاد» (۴۶/۲) و ابن هشام در «السیره» (۳۵/۱) آورده، آیا در میان امت اسلام افرادی مثل این پنج نفر یافت نمی‌شود؟ آیا مانند آنها جوانمردانی از ثروتمندان بزرگ و چهره‌های سیاسی یافت نمی‌شود که سعی کنند این تحریم علیه ملت فلسطین را بشکنند؟!

۵- وقتی که مردانگی و غیرت، مشرکان بنی‌هاشم و بنی‌مطلب را برانگیخت تا اینکه همراه پیامبر ﷺ و اصحابش در یک سنگر وجهه باشند و آنان را کمک و یاری نمایند و همراه

۱- این پنج نفر عبارت بودند از: هشام بن عمرو، المطعم بن عدی، ابوالبختری بن هشام، زمعه بن الأسود و زهیر بن أمیه البختری.

آنان در این تحریم داخل شوند همچنان که بخاری آورده است<sup>۱</sup>، تا جایی که صدای زنان و کودکان و بچه‌ها که از گرسنگی آه و ناله می‌کردند، شنیده می‌شد، آیا فلسطینیان مسلمان و مسیحی با همدیگر جمع نمی‌شوند تا اینکه در مقابل به رکوع واداشتن تمام ملت فلسطین یک صف واحد شوند و خیابانهای سراسر فلسطین، یک صف زیر یک شعار «گرسنه آری اما رکوع و سرتسلیم فرود آوردن نه» شود و خداوند هم - إن شاء الله - به زودی گشایش را خواهد آورد همان‌طور که در خاتمه‌دادن تحریم اقتصادی پیامبر ﷺ و اصحابش روی داد و پس از آن بلافاصله پیروزی و تسلط و چیرگی بر دشمنان، نصیب مسلمانان شد.

### سوم - استراتژی اتکا به خود:

همانا تحریمی که نظام جدید جهانی در چهره زشت و اخم‌پیش، مقرر کرده بر مردم فلسطین به طور خاص و بر حکومت‌های کشورهای عربی و اسلامی به طور عام واجب می‌کند که دو خط متوازی وجود داشته باشد:

۱- خط کمکی برای واقعیت امروزی راجع به حل مشکلات امروز در پرداخت حقوق کارگران و تلاش‌گران دولت از تمامی جنبه‌ها و کفایت این ملت.

۲- خط نگاه‌دارندگی، یعنی بی‌نیازی و اتکا به خود در اقتصاد درازمدت و تولیدکننده نه فقط مصرف‌کننده، در پرتو نصوص فراوان دینی.

از جمله آن حدیثی است که بخاری با سند خویش روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمودند:

«ما أكل أحد طعاماً قط خيراً من أن يأكل من عمل يده وإن نبي الله داود عليه السلام كان يأكل من

عمل يده»<sup>۲</sup>: «احدی هرگز غذایی بهتر از غذای دست‌رنج خویش نمی‌خورد و پیامبر خدا،

داود علی‌ه‌السلام از دست‌رنج خویش غذا می‌خورد».

۱- به فتح الباری، ۵۲۹/۳ مراجعه کنید.

۲- صحیح البخاری.

همانا سیادت و سروری هر حکومتی در جهان متوقف بر حکمتی است که شیخ محمد شعرای رحمه الله ذکر کرده است: «هر کس خوراکش از دسترنج خودش نباشد، هرگز مستقل نخواهد بود». و اینکه شعار استقلال و آزادی را بلند سر دهیم که: ((از آنچه می کاریم، می خوریم و از آنچه می سازیم، می پوشیم؛ و به هر گرسنه ای تور برای ماهی گرفتن تقدیم می کنیم نه ماهی)). بدین صورت رقابت و هم چشمی، قوی می شود و آرزو، بزرگ می شود که امت اسلام سرش را در مقابل دشمن سرکش غربی بلند کند؛ دشمنی که بزرگ و کوچک را به ریزه های تولیداتش و بلکه فاسدهای تولیداتش به خواری می کشاند. موادی که برایش سخت است که آنها را پنهان کند در نتیجه برای ما صادر می کند تا کشت و نسل را نابود گرداند.

حقیقت این است که این رقابت و هم چشمی، سخت است اما غیرممکن نیست، و به همت های مردان و صبر دلیران و دلاورمردان و کرامت و بزرگواری نیکان نیاز دارد. ما می توانیم تجربه مالزی را به عنوان یک نوع سرمشق در اقتصاد و تولید به کار گیریم، و به سوی بازار مشترک اسلامی حرکت کنیم. و می توانیم آن کار مشروعی را یاد بگیریم که نجم الدین اربکان وقتی که نخست وزیر ترکیه بود به آن چشم می دوخت، و آن کار هم گردآوری نیروهای تولیدی اسلامی جهت ساختن اقتصاد آزاد اسلامی است.

## خلاصه

اوّل - اسرائیل سرزمین اسراء و معراج را اشغال کرده و میلیونها فلسطین را کشته و آواره کرده، و هزار خانه را به کمک نیروی جهان غربی ویران کرده است. هدفش از این کار، خوار کردن امت اسلامی و از بین بردن حکومتها و ملتهاست. و سراسر جهان اقرار می‌کنند که ظلم و ستم بی‌حدی بر دوش این ملت فلسطین از جانب تجاوزکاران صهیونیست خائن و جنایتکار واقع شده است. و هنگامی که فرصتی برای آزادی حقیقی پیش آید و فلسطینی‌ها حکومتی دارای رویه اسلامی انتخاب کنند، جهان غرب همه یاریگرانش را وامی‌دارد و تمامی ادارات و مؤسسات مالی و اقتصادی را برحذر می‌دارد از اینکه با فلسطینی تعامل و رابطه داشته باشند. و آتش دشمنی و اختلاف را در میان آنان شعله‌ور می‌کند و ضعیفان و سست‌دلان فلسطینی ندای آنان را اجابت می‌کنند به گونه‌ای که این امر، فرمانبرداری همیشگی برای صهیونیست‌ها را مؤکد می‌سازد.

دوّم - وقتی که اغلب نظامها و دولتهای عربی و اسلامی از یاری برادران مان در فلسطین و شکستن تحریم اقتصادی که دشمنان امت اسلام آن را مقرر کرده اند - همچنان که این امر در تحریم اقتصادی رسول الله ﷺ و اصحابش توسط مشرکان روی داد- پس در این صورت بر تک‌تک افراد امت اسلامی واجب حتمی است که هزینه‌ها و مخارج را برای قیام به این امر تأمین کنند و تمام ساز و سلاح امکانات را برای رهایی از این تحریم تهیه نمایند تا اینکه مسئولیت کافی را در قبال برادرانشان در فلسطین ادا نمایند. بیش از ۱۳۳ آیه و نصوص صحیح و صریح نبوی بر این امر دلالت دارند و همگی بیان می‌دارند که یاری هر نیازمندی واجب است. همچنین اقوال مأثور تعدادی از فقهای بزرگ امت اسلامی در گذشته و حال این امر را مؤکد می‌سازند. و تعجیل پرداخت زکات قبل از موعد مقرر جایز است. یا می‌توان فلسفه زکات فطر که هر انسانی اعم از فقیر و ثروتمند، کوچک و بزرگ آن را پرداخت می‌نماید، را به زکات مال هم ملحق کرد و آن وقت هر مسلمانی در جهان، چیزی را به مردم فلسطین تقدیم کند؛ و مسلمانان آزاده یا کسانی دیگر تلاش نمایند که این تحریم را بشکنند همان‌طور که بعضی از مشرکان آزاده قریش این کار را کردند زمانی که تحریم و قطعنامه اقتصادی پیامبر ﷺ و اصحابش

را پایان دادند. و همه طیف‌ها و گروه‌های فلسطین در خیابانها و جاده‌های فلسطین برای مواجهه با این تحقیر و اهانت جهانی متحد شوند.

سوّم - وقتی که کمکهای سریع به بیماران و نیازمندان و پرداخت حقوق کارمندان و کارگران و زحمت‌کشان جزو «واجب مضیق» است، از طرف دیگر «واجب موسع» و درازمدتی هم وجود دارد و آن، حرکت به سوی اقتصاد تولیدی و آزاد، همراه با درس گرفتن و عبرت‌گرفتن از تجربه مالزی در آزادسازی امت از اتکا به دیگران در مسائل اساسی و حیاتی است.

چهارم - این جزئی از تکلیف عمومی امت اسلامی است که هر مسلمانی آرزو کند و برای محقق ساختن این آرزو تلاش کند که در آزادکردن اولین قبله مسلمانان و سوّمین حرم پس از حرم مکه و مدینه و محل اسراء و معراج سُرور عالمیان از دست صهیونیست‌های غاصب و اشغالگر، مشارکت کند. این، مسئولیت همه مسلمانان چه حاکمان و چه مسلمانان عادی است.